



امام جمعه تبریز:

حضور مردم در عرصه، مهم‌ترین
پشتوانه کشور است

در صفحه یک

یکشنبه ۲۸ تیر ماه ۱۴۰۵ سال بیستم شماره ۳۵۸۸ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

گزارش

طرح نو بررسی می‌کند:

دالان «زنگزور» یا «تریپ»؛ گذرگاه ارتباطی یا تهدید ژئوپلیتیک؟

طرح نو؛ گروه سیاست
دالان موهوم زنگزور که این روزها با عنوان جدید تریپ خودنمایی می‌کند، تلاش دارد ارتباط مستقیم بین نخجوان و جمهوری آذربایجان را از خاک ارمنستان فراهم و البته ارتباط بین ایران و ارمنستان را قطع کند؛ با این شرایط محدودیت‌های ژئوپلیتیکی درخور اعتنایی برای کشورمان ایجاد می‌کند و با منافع استراتژیک ایران در تضاد جدی است. این کریدور یکی از چالش‌برانگیزترین پروژه‌های ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی است که به‌طور مستقیم بر مبادلات تجاری و دیپلماسی اقتصادی ایران تأثیر می‌گذارد. این دالان که به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی جدید بین کشورهای آذربایجان، ارمنستان و ترکیه مطرح شده است، می‌تواند به ایجاد تغییرات اساسی در نقشه ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه منجر شود. در واقع این دالان، محوری استراتژیک و اثرگذار در دیپلماسی اقتصادی کشورهای منطقه قفقاز محسوب می‌شود و البته فرصت ژئوپلیتیک مهمی را از ایران سلب می‌کند. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی حساس این کریدور، نه‌تنها به‌عنوان یک مسیر ارتباطی بین آذربایجان، نخجوان و ترکیه، بلکه به‌عنوان یک نقطه استراتژیک برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران جهانی و منطقه‌ای برای دور زدن جمهوری اسلامی ایران در کانون توجهات است. از سوی دیگر، ایجاد دالان تهدیدی برای روابط اقتصادی ما با ارمنستان که یکی از همسایگان مهم کشورمان است، خواهد شد و ایجاد آن می‌تواند به تضعیف روابط ایران و ارمنستان و تغییر تعادل با کشورهای منطقه بینجامد و البته هرگونه تغییر در این تعادل می‌تواند به تنش‌های جدید منجر شود.

ضرورت بازگشایی راه‌های ارتباطی قفقاز

دیدگاه حامیان بازگشایی راه‌ها: حامیان بازگشایی این دالان که البته در....

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

طرح نو بررسی می‌کند:

شهریار شاعر ملی، شاعر مذهبی، شاعر پایداری

در صفحه ۴



سرمقاله

۲

وقتی سیاست، مردم را فراموش می‌کند

این روزها ایران بیش از همیشه به وفای ملی نیاز دارد

طرح نو؛ سردبیر

در هر نظام سیاسی، اختلاف دیدگاه میان جریان‌های فکری، امری طبیعی و حتی راهبردی برای پویایی و اصلاح ساختارهاست؛ اما آنچه در سپهر سیاسی ایران گاه به چشم می‌خورد، از جنس رقابت سازنده برای اعتلای کشور نیست، بلکه جدال‌های فرسایشی و بی‌ثمری است که صرفاً با هدف دستیابی به سهم بیشتر از قدرت رقم می‌خورد. رهبر شهید انقلاب در کلامی نافذ و راهگشا، این حقیقت را یادآور شده بودند که «پرداختن به اموری غیر از مشکلات مردم، خیانت به نظام است». با این حال، سال‌هاست که شاهدیم اختلافات جناحی، مدیریت کشور را به گروگان گرفته و توان حل مسائل مزمن و بنیادین را از دستگاه‌های اجرایی و تقنینی سلب کرده است.

آنچه امروز در فضای سیاسی کشور نمود یافته، جایگزینی «گفت‌وگوی ملی» با «اتهام‌زنی‌های رسانه‌ای» و «تخریب‌های متقابل» است. در این میان، به‌جای تمرکز بر معضلات واقعی جامعه از جمله نوسانات اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی، چالش‌های

اقتصاد

۲

طرح نو گزارش می‌دهد:

جایگاه آذربایجان شرقی در صنعت معدن کشور

ورزش

۳

تداوم حال بد چمن خانه تراکتور

امام جمعه تبریز:

حضور مردم در عرصه، مهم‌ترین پشتوانه کشور است



طرح نو؛ گروه خبر

مطهری‌اصل حضور مردم در اجتماع‌ها و عرصه‌های مختلف را از مهم‌ترین عوامل تقویت روحیه ملی دانست و اظهار کرد: حفظ وحدت و حضور آگاهانه مردم، زمینه سوءاستفاده دشمنان و جریان‌های معاند را از بین می‌برد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به موضوع خونخواهی شهدا، بیان کرد: خونخواهی تنها به معنای اقدام علیه یک فرد نیست، بلکه باید به گونه‌ای باشد که دشمن همواره احساس ناامنی و نگرانی کند و نتواند با آراش اهداف خود را دنبال کند.

امام جمعه تبریز با اشاره به تحولات منطقه، گفت: جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارها و تهدیدها از مواضع خود عقب‌نشینی نخواهد کرد و هرگونه اقدام علیه کشور با پاسخ متناسب مواجه خواهد شد.

وی با بیان اینکه معادلات منطقه‌ای تحت تأثیر موقعیت راهبردی مسیرهای انتقال انرژی قرار دارد، افزود: ادامه اقدامات خصمانه دشمنان می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای امنیت منطقه به همراه داشته باشد.

مطهری‌اصل تأکید کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمادگی کامل برای پاسخگویی به هرگونه تجاوز را دارند و دشمنان نباید تصور کنند که با فشار و تهدید می‌توانند ملت ایران را از مسیر خود منحرف کنند.

امام جمعه تبریز گفت: مهم‌ترین سرمایه و پشتوانه کشور، همراهی مردم در عرصه‌های مختلف است و هیچ موفقیتی در حوزه‌های نظامی، سیاسی و امنیتی بدون حمایت مردم معنا نخواهد داشت.

به گزارش نصر، حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مطهری‌اصل در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تبریز با اشاره به تحولات منطقه‌ای و جایگاه جمهوری اسلامی ایران، اظهار کرد: امروز جمهوری اسلامی ایران به قدرتی اثرگذار در منطقه تبدیل شده و این جایگاه موجب نگرانی و واکنش‌های مکرر دشمنان شده است.

وی با قدردانی از حضور مردم در صحنه‌های مختلف، افزود: حضور مردم مهم‌ترین پشتوانه کشور است و آنچه امنیت، اقتدار و پیشرفت نظام را تضمین می‌کند، مشارکت و همراهی مردم با آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

وی ادامه داد: برخورداری از توان دفاعی، تجهیزات نظامی و موفقیت‌های سیاسی زمانی اثربخش خواهد بود که از حمایت و حضور مردم برخوردار باشد. امام جمعه تبریز با بیان اینکه دشمنان به دنبال ایجاد اختلاف و تضعیف انسجام ملی هستند، گفت: هدف آنان کاهش حضور مردم در صحنه و ایجاد شکاف در جامعه است، اما ملت ایران همواره با تعیت از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، این توطئه‌ها را خنثی کرده‌اند.

همراه بود، اما اصل پرداخت مستقیم یارانه به مردم، سیاستی قابل قبول و مؤثر است.

وی با اشاره به اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، اظهار کرد: نحوه آغاز حذف ارز ترجیحی توسط دولت چندان مناسب نبود، اما در مجموع اینکه منابع حمایتی به صورت مستقیم به مردم اختصاص یابد، اقدامی مثبت و در راستای افزایش اثربخشی حمایت‌های معیشتی است.

وی با اشاره به وعده دولت برای افزایش مبلغ کالابرگ، افزود: دولت و رئیس‌جمهور در آذرماه سال گذشته به مجلس قول داده بودند که چهار ماه بعد، یعنی از فروردین‌ماه، مبلغ کالابرگ متناسب با نرخ تورم افزایش یابد، اما متأسفانه این وعده تاکنون عملیاتی نشده است.

وی ادامه داد: حتی براساس نظر کارشناسان، مبلغ تعیین‌شده برای کالابرگ در دی‌ماه و تنها یک ماه پس از اجرای این طرح نیز پاسخگوی هزینه‌های خانوارها نبود و با وجود افزایش تورم، متناسب با شرایط اقتصادی جامعه اصلاح نشده است.

جعفری‌آذر با تأکید بر اینکه انتظار جامعه و وعده مسئولان، افزایش قدرت خرید مردم است، تصریح کرد: افزایش مبلغ کالابرگ یکی از مطالبات جدی مردم محسوب می‌شود و لازم است دولت هرچه سریع‌تر نسبت به تحقق این وعده اقدام کند. وی کالابرگ را سیاستی صحیح در راستای تأمین امنیت غذایی کشور دانست و گفت: این طرح علاوه بر حمایت از معیشت خانوارها، موجب تقویت صنعت غذایی و افزایش تقاضا برای محصولات داخلی می‌شود. هر میزان که دولت از طریق کالابرگ از مردم حمایت کند، در واقع به افزایش تولید در بخش کشاورزی و صنایع غذایی نیز کمک کرده است.

بهره‌مندی ۶۳ درصدی خانوارهای آذربایجان شرقی از کالابرگ الکترونیکی

بهباد غفاری، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی آذربایجان شرقی در گفت‌وگو با ایسنا، از بهره‌مندی ۶۳ درصدی خانوارهای آذربایجان شرقی از کالابرگ الکترونیکی خبر داد و گفت: بیشترین سهم خرید مربوط به برنج با ۴۰ درصد بوده و پس از آن حبوبات با ۲۲٫۷ درصد و گوشت قرمز با ۱۵٫۳۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

وی ادامه داد: همچنین گوشت سفید با ۸۸ درصد، تخم‌مرغ با ۴۶٫۴ درصد، قند و شکر با ۲۵۵ درصد، پنیر با ۲۰۱۱ درصد، روغن با ۱۵۶ درصد، شیر با ۱۰۶ درصد، ماست با ۰۶۴ درصد و ماکارونی با ۰۳۰ درصد از مجموع خریدهای انجام‌شده را به خود اختصاص داده‌اند.



دلیل، بازنگری در اعتبار کالابرگ و متناسب‌سازی آن با شرایط اقتصادی، به یکی از مطالبات جدی مردم تبدیل شده است. از سوی دیگر، صاحب‌نظران تأکید می‌کنند که کالابرگ تنها یک ابزار حمایتی برای خانوارها نیست، بلکه می‌تواند نقش مهمی در حمایت از تولیدکنندگان داخلی، صنایع غذایی و بخش کشاورزی ایفا کند. افزایش اعتبار این طرح، ضمن تقویت قدرت خرید مردم، به رونق بازار کالاهای اساسی و پایداری تولید نیز کمک خواهد کرد.

در شرایطی که تورم همچنان بر هزینه‌های زندگی خانوارها اثرگذار است، کارشناسان بر این باورند که حفظ کارآمدی طرح کالابرگ، مستلزم افزایش اعتبار آن متناسب با رشد قیمت‌ها، تأمین منابع مالی پایدار و استمرار حمایت دولت از اقشار مختلف جامعه است؛ اقدامی که می‌تواند علاوه بر حفظ امنیت غذایی، بخشی از فشار اقتصادی وارد بر خانوارها را کاهش دهد.

مبلغ کالابرگ باید متناسب با تورم افزایش یابد / کالابرگ از امنیت غذایی و تولید داخلی حمایت می‌کند

علی جعفری‌آذر، نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا، با تأکید بر ضرورت افزایش مبلغ کالابرگ متناسب با نرخ تورم، گفت: هرچند نحوه آغاز اجرای طرح حذف ارز ترجیحی از سوی دولت با کاستی‌هایی

طرح نو؛ گروه گزارش
کالابرگ الکترونیکی با هدف حمایت از معیشت خانوارها، تقویت امنیت غذایی و هدایت یارانه‌ها به سمت تأمین کالاهای اساسی به اجرا درآمد، اما تداوم افزایش قیمت کالاهای ضروری باعث شده است که اعتبار فعلی این طرح دیگر پاسخگوی نیاز بسیاری از خانوارها نباشد.

همزمان با افزایش قیمت اقلام اساسی، فاصله میان اعتبار کالابرگ و هزینه واقعی سبد خرید خانوارها بیش از گذشته شده است. بسیاری از خانواده‌ها معتقدند مبلغ در نظر گرفته‌شده برای کالابرگ، در مقایسه با زمان آغاز اجرای این طرح، بخش بسیار کمتری از هزینه‌های خرید کالاهای اساسی را پوشش می‌دهد. هرچند اصل پرداخت یارانه به صورت کالابرگ و هدایت آن به سمت تأمین کالاهای اساسی، می‌تواند به بهبود امنیت غذایی جامعه کمک کند، اما اثربخشی این سیاست در گرو به‌روزرسانی مستمر اعتبار آن متناسب با نرخ تورم است. در غیر این صورت، قدرت خرید خانوارها به مرور کاهش یافته و اهداف اولیه اجرای این طرح محقق نخواهد شد.

فعالان حوزه اقتصاد معتقدند افزایش مداوم قیمت مواد غذایی، لبنیات، روغن، گوشت، مرغ و سایر اقلام ضروری موجب شده است سهم کالابرگ در تأمین هزینه‌های خانوار نسبت به ماه‌های ابتدایی اجرای طرح کاهش چشمگیری پیدا کند. به همین

وقتی سیاست، مردم را فراموش می‌کند

این روزها ایران یش از همیشه به وفاقِ ملی نیاز دارد

طرح نو؛ سردبیر
در هر نظام سیاسی، اختلاف دیدگاه میان جریان‌های فکری، امری طبیعی و حتی راهبردی برای پویایی و اصلاح ساختارهاست؛ اما آنچه در سپهر سیاسی ایران گاه به چشم می‌خورد، از جنس رقابتِ سازنده برای اعتلای کشور نیست، بلکه جدال‌های فرسایشی و بی‌ثمری است که صرفاً با هدف دستیابی به سهم بیشتر از قدرت رقم می‌خورد. رهبر شهید انقلاب در کلامی نافذ و راهگشا، این حقیقت را یادآور شده بودند که «پرداختن به اموری غیر از مشکلات مردم، خیانت به نظام است». با این حال، سال‌هاست که شاهدیم اختلافات جناحی، مدیریت کشور را به گروگان گرفته و توان حل مسائل مزمن و بنیادین را از دستگاه‌های اجرایی و تقنینی سلب کرده است.

آنچه امروز در فضای سیاسی کشور نمود یافته، جایگزینی «گفت‌وگوی ملی» با «اتهام‌زنی‌های رسانه‌ای» و «تخریب‌های متقابل» است. در این میان، به‌جای تمرکز بر معضلات واقعی جامعه از جمله نوسانات اقتصادی، بحران‌های زیست‌محیطی، چالش‌های آموزشی و نیازهای معیشتی، انرژیِ نهادهای تصمیم‌گیر صرفِ خنثی‌سازی اقدامات یکدیگر می‌شود. این وضعیت، بیش از هر چیز به اتلافِ فرصت‌های طلایی توسعه و بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌های کلان می‌انجامد. وقتی سیاست‌ورزی به عرصه‌ای برای حذفِ رقیب بدل می‌شود، ناگزیر باید انتظار داشت که کیفیتِ زندگی شهروندان در پس این دعوای بی‌حاصل، نادیده گرفته شود. هزینه‌ی این سیاست‌بازی‌ها را نه نخبگان سیاسی، بلکه مردم عادی پرداخت می‌کنند. تداومِ این رویکرد، فراتر از اتلافِ منابع، موجبِ

گزارش

طرح نو؛ گروه سیاست

دالان موهوم زنگزور که این روزها با عنوان جدید تریپ خودنمایی می‌کند، تلاش دارد ارتباط مستقیم بین نخجوان و جمهوری آذربایجان را از خاک ارمنستان فراهم و البته ارتباط بین ایران و ارمنستان را قطع کند؛ با این شرایط محدودیت‌های ژئوپلیتیکی درخور اعتنایی برای کشورمان ایجاد می‌کند و با منافع استراتژیک ایران در تضاد جدی است. این کریدور یکی از چالش‌برانگیزترین پروژه‌های ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز جنوبی است که به‌طور مستقیم بر مبادلات تجاری و دیپلماسی اقتصادی ایران تأثیر می‌گذارد. این دالان که به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی جدید بین کشورهای آذربایجان، ارمنستان و ترکیه مطرح شده است، می‌تواند به ایجاد تغییرات اساسی در نقشه ژئوپلیتیکی و اقتصادی منطقه منجر شود. در واقع این دالان، محوری استراتژیک و اثرگذار در دیپلماسی اقتصادی کشورهای منطقه قفقاز محسوب می‌شود و البته فرصت ژئوپلیتیک مهمی را از ایران سلب می‌کند.

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی حساس این کریدور، نه‌تنها به‌عنوان یک مسیر ارتباطی بین آذربایجان، نخجوان و ترکیه، بلکه به‌عنوان یک نقطه استراتژیک برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی بازیگران جهانی و منطقه‌ای برای دور زدن جمهوری اسامی ایران در کانون توجهات است. از سوی دیگر، ایجاد دالان تهدیدی برای روابط اقتصادی ما با ارمنستان که یکی از همسایگان مهم کشورمان است، خواهد شد و ایجاد آن می‌تواند به تضعیف روابط ایران و ارمنستان و تغییر تعادل با کشورهای منطقه بینجامد و البته هرگونه تغییر در این تعادل می‌تواند به تنش‌های جدید منجر شود.

ضرورت بازگشایی راه‌های ارتباطی قفقاز

دیدگاه حامیان بازگشایی راه‌ها:
حامیان بازگشایی این دالان که البته در داخل ایران هم برخی مدافع این پروسه هستند، معتقدند که؛ بازگشایی راه‌های مسدود شده پس از مناقشه قره‌باغ، کلید صلح بین باکو و ایروان و منفعت مشترک ایران، آذربایجان و ارمنستان است. شبکه ارتباطی قفقاز یکپارچه است و بازکردن تنها بخشی ممکن نیست. ایران منافع بزرگ اقتصادی (دسترسی به اوراسیا و اروپا از طریق مسیر شمالی-جنوبی موجود به ارمنستان، گرجستان و روسیه) و ژئوپلیتیکی در این بازگشایی دارد. مسدود ماندن راه اصلی ایران طی ۳ دهه، خسارات هنگفتی وارد کرده است. استفاده از الفاظی مانند «دالان»

طرح نو؛ سردبیر

شیوا صفری:
ایران به عنوان یکی از کشورهای دارای منابع غنی معدنی، از جایگاه ویژه‌ای در خاورمیانه برخوردار است. در این میان، استان آذربایجان شرقی به واسطه موقعیت زمین‌شناسی خاص خود، از استان‌های معدنی مهم کشور به شمار می‌آید. تنوع مواد معدنی، پیشینه‌ی فعالیت‌های معدنی، و زیرساخت‌های نسبی توسعه‌یافته، آذربایجان شرقی را به یکی از قطب‌های معدنی کشور تبدیل کرده است.

تنوع و پراکندگی معادن

در استان آذربایجان شرقی بیش از ۴۰۰ معدن فعال وجود دارد که مواد معدنی فلزی و غیرفلزی متنوعی را استخراج می‌کنند. از مهم‌ترین ذخایر معدنی استان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مس: معدن مس سونگون در شهرستان ورزقان، یکی از بزرگ‌ترین معادن مس ایران و خاورمیانه است.

طلا: معادن طلای اندریان و مزرعه شادی از ذخایر مهم طلای کشور هستند.

مولیبدن، آهن، سرب، روی، سیلیس، خاک نسوز، فلدسپات و سنگ‌های تزئینی نیز از دیگر مواد استخراج‌شونده در این استان هستند.

معدن مس سونگون؛ قلب تپنده‌ی صنایع معدنی استان

بدون شک مهم‌ترین پروژه‌ی معدنی استان، معدن مس سونگون است که با ذخایر عظیم، کارخانه‌های تغلیظ و توسعه‌ی زیرساخت‌های جانبی، نقشی کلیدی در اقتصاد منطقه دارد. این معدن به تنهایی هزاران فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده و در حال تبدیل شدن به یک مجتمع صنعتی-معدنی کامل است.

گفتنی است که ارزش ذخایر این معدن ۳۲۰ میلیارد دلار برآورده شده که در واقع یک درصد ذخیره مس

یکشنبه ۲۸ تیر ماه ۱۴۰۵ – سال بیستم – شماره ۳۵۸۸

طرح نو گزارش می‌دهد:

جایگاه آذربایجان شرقی در صنعت معدن کشور



هم برای منطقه در پی دارد که باید بدان توجه کرد. از جمله چالش‌های مهم بخش معدن در آذربایجان شرقی می‌توان به مواردی مانند: محدودیت‌های زیست‌محیطی؛ تأمین انرژی و آب؛ مشکلات تأمین ماشین‌آلات و فناوری روز؛ عدم تکمیل زنجیره‌ی ارزش معدنی در برخی حوزه‌ها اشاره کرد.

با این حال، برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی زیرساخت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، و توسعه‌ی فناوری‌های نوین، می‌تواند آینده‌ی روشنی برای معدن این استان رقم بزند.

در پایان باید گفت که؛ آذربایجان شرقی با دارا بودن ذخایر غنی معدنی و موقعیت مناسب جغرافیایی، از ستون‌های اصلی صنعت معدن ایران به شمار می‌رود.

با توجه به سرمایه‌گذاری‌های اخیر و توسعه‌ی پروژه‌های کلان مانند سونگون، می‌توان انتظار داشت که این استان در آینده‌ای نزدیک نقش پررنگ‌تری در اقتصاد معدنی کشور ایفا کند.

می‌کند).

– عملیاتی‌تر است (ساخت پل‌ها بر روی ارس در جریان، سرمایه‌گذاری انجام شده).

– تسلیم شدن در برابر فشار تبلیغاتی دشمن یا زورگویی آنکارا و باکو برای پذیرش دالان زنگزور، غیرطبیعی و خیانت به منافع ملی است. تلاش ایران باید معطوف به تحقق گذرگاه ارس باشد، نه همراهی با طرحی که رقبا و دشمنان با اهداف ضدایرانی پیش می‌برند.

دالان جعلی؛ پروژه‌ای با پیامدهای فاجعه‌بار برای ایران

استدلال موافقان این طرح، صرفاً بر «ضرورت کلی بازگشایی راه‌ها» تکیه دارد، اما عمداً یا سهواً از پاسخ به این پرسش‌های حیاتی طفره می‌روند:

۱- چرا باید این مسیر خاص (زنگزور) با این مدیریت خاص (تحت کنترل ترکیه-باکو و نظارت ناتو) اجرا شود، در حالی که مسیرهای جایگزین کم‌خطرتر (مانند گذرگاه ارس یا مسیر ایران-ارمنستان) وجود دارد؟

۲- چگونه می‌توان ادعا کرد «مدیریت مشترک با روسیه و ارمنستان امکان‌پذیر است، در شرایطی که طراحان اصلی طرح (ترکیه و آذربایجان) به‌صراحت خواهان حذف هرگونه نظارت ارمنستان و ایران بر این دالان هستند و آن را «کریدوری خارج از حاکمیت ایروان» می‌نامند؟

۳- چرا «عملگرایی اقتصادی» باید به قیمت نادیده گرفتن تغییرات مهلک ژئوپلیتیکی تمام شود که حاکمیت ملی و امنیت مرزی ایران را تهدید می‌کند؟

۴- همچنین باید گفت که؛ موافقان این طرح در داخل کشور، پروژه «جهان ترک» و نقش ناتو در پشت پرده دالان زنگزور را کم‌رنگ یا نادیده می‌گیرند. این ساده‌انگاری است که تصور شود آنکارا و باکو – یا پیشینه توسعه‌طلبی قومی- صرفاً به دنبال «راهی برای تجارت» هستند.

افشای ماهیت تهاجمی پروژه و پیامدهای شوم

دیدگاه مخالفان با استناد به اسناد، اعلامیه‌های رسمی ترکیه و آذربایجان، و الگوهای رفتاری ناتو، خطرات دالان زنگزور را به‌وضوح افشا می‌کند:

۱- تهدید وجودی برای ایران: این دالان پیوند زمینی ایران با ارمنستان و در نتیجه با روسیه / اوراسیا را قطع می‌کند و ایران را در محاصره حلقه‌ای از متحدان ناتو (ترکیه، آذربایجان، گرجستان) قرار می‌دهد.



طرح نو بررسی می‌کند:

دالان «زنگزور» یا «تریپ»؛ گذرگاه ارتباطی یا تهدید ژئوپلیتیک؟

۲- تکمیل محاصره اقتصادی ایران در قفقاز: با کنترل ترانزیت منطقه توسط بازیگران (ترکیه-باکو – ناتو)، ایران از دسترسی به بازارهای اوراسیا و اروپا از مسیر شمال محروم شده و به عنوان «هاب ارتباطی» حذف می‌شود.

۳- ابزاری برای ناتو: دالان زنگزور اولین قدم برای استقرار دائمی نیروهای ناتو در مرزهای شمال غربی ایران تحت عنوان «حفاظت از کریدور» است. این همان الگوی گسترش به شرق است که پیش‌تر در بالکان و اروپای شرقی اجرا شد.

۴- تضعیف متحدان ایران: اجرای این طرح، ارمنستان را به کشوری شکسته و منزوی تبدیل می‌کند که کنترل بخشی از قلمرو خود (سینوپک) را از دست داده و عملاً به پل ارتباطی دشمنان ایران بدل می‌شود.

مقاومت یا سقوط ژئوپلیتیک

با توجه به ضعف مفراط استدلال موافقان در پاسخ به پرسش‌های حیاتی و قاطع بودن ادله مخالفان درباره اهداف و پیامدهای دالان زنگزور، نتیجه‌گیری نهایی این است که؛ دالان زنگزور یا تریپ یک پروژه ضدایرانی، تغییردهنده مرزها، و ابزار تحقق بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک ترکیه، آمریکا و ناتو است. و هرگونه همراهی ایران با این طرح حتی تحت عنوان «بازگشایی راه‌ها»، خیانتی آشکار به منافع ملی و امنیت سرزمینی است که پیامدهای آن عبارتند از:

۱- محاصره اقتصادی کامل در شمال غرب: از دست دادن جایگاه ترانزیتی و انزوای بازار اوراسیا.
۲- نفوذ نظامی ناتو در آستانه مرزهای ایران: تبدیل قفقاز به پایگاه عملیاتی غرب علیه ایران.
۳- سقوط ژئوپلیتیک ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای: از دست دادن اهرم‌های فشار و دیپلماسی در قفقاز.

گذرگاه ارس؛ تنها راهکار منطقه‌ی و دفاع‌پذیر

تنها گزینه‌ی قابل قبول برای ایران، تسریع در اجرای پروژه ملی «گذرگاه ارس» است که؛
– ارتباط با نخجوان و ترکیه را بدون تغییر مرزها و قطع خاک ارمنستان ممکن می‌سازد.
– تحت حاکمیت و کنترل کامل ایران اجرا می‌شود.
– توازن قوا در قفقاز را به نفع ایران و متحدانش (روسیه، ارمنستان) برقرار می‌کند.
– توهم اجرای «دالان زنگزور» را با ارائه یک راه‌حل عملی و صلح‌آمیز، خنثی می‌کند.

یادداشت

یادداشتی به بهانه خداحافظی محمد عباس زاده از مستطیل سبز؛

خداحافظ خدای تعصب و غیرت



شیرین کنار این تیم بود، گل‌های ارزشمند و سرنوشت‌سازی به ثمر رساند و بارها با تعصب مثال‌زدنی خود، سکوهای یادگار امام را به وجد آورد. او هیچ‌وقت بازیکنی نبود که تنها در روزهای خوب دیده شود؛ در سخت‌ترین روزها نیز کنار تیم ماند و مسئولیت‌پذیری را معنا کرد.

در روزگاری که فوتبال بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر قراردادهای سنگین، حاشیه‌ها و تغییرات پی‌درپی قرار گرفته است، وجود بازیکنانی مانند محمد عباس‌زاده یادآور روزهایی است که تعصب به پیراهن، بزرگ‌ترین سرمایه یک فوتبالیست بود. او نشان داد که محبوبیت را می‌توان با صداقت، فروتنی و احترام به هواداران به دست آورد؛ نه فقط با گل زدن و جام گرفتن.

طرح‌نو؛ مریم دالانی قدیم در فوتبال، بعضی خداحافظی‌ها تنها پایان یک دوران نیست؛ پایان فصلی از خاطرات هزاران هواداری است که سال‌ها با یک بازیکن زندگی کرده‌اند، با گل‌هایش فریاد زده‌اند، با جنگندگی‌اش به وجد آمده‌اند و با اشک و لبخندش شریک بوده‌اند. خداحافظی محمد عباس‌زاده نیز از همین جنس است؛ وداع مردی که شاید هرگز خود را فراتر از تیمش ندید و همیشه نام باشگاه و هواداران را بر نام خودش ترجیح داد. محمد عباس‌زاده برای بسیاری از علاقه‌مندان فوتبال، فقط یک مهاجم نبود. او نماد غیرت، تعصب، تلاش بی‌وقفه و وفاداری بود؛ بازیکنی که هیچ‌گاه برای جلب توجه بازی نکرد، بلکه برای سربلندی پیراهنی که بر تن داشت، تا آخرین نفس جنگید. او از آن دسته فوتبالیست‌هایی بود که هواداران بیش از آنکه به آمار گل‌هایش افتخار کنند، به شخصیت، اخلاق و تعهدش می‌بالیدند. هر زمان که نام عباس‌زاده به میان می‌آید، تصویری از یک بازیکن جنگنده در ذهن نقش می‌بندد؛ مهاجمی که در سخت‌ترین لحظات، از دویدن دست نمی‌کشید، در نبردهای هوایی می‌جنگید، برای هر توپ از جان مایه می‌گذاشت و هرگز تسلیم نمی‌شد. شاید همه ضرباتش تبدیل به گل نشد، اما کمتر کسی می‌تواند تردید داشته باشد که او در هر مسابقه، تمام توانش را برای موفقیت تیمش به میدان می‌آورد. برای هواداران تراکتور، محمد عباس‌زاده جایگاهی ویژه دارد. او در روزهای تلخ و

خبر

باخت تراکتور در دیدار دوستانه و آغاز موج انتقادات علیه ربیعی!

طرح‌نو؛ گروه ورزش نخستین دیدار تدارکاتی خود در اردوی پیش‌فصل تهران را با شکست پشت سر گذاشت. نتیجه‌ای که اگرچه در یک بازی دوستانه رقم خورد اما واکنش‌های قابل توجهی را از سوی هواداران این تیم به دنبال داشت. ، تی تی‌ها در نخستین آزمون تدارکاتی خود با نتیجه دو بر صفر مقابل استقلال خوزستان در تهران شکست خوردند تا اردوی پیش‌فصل را با یک نتیجه دور از انتظار آغاز کنند. هرچند شکست در مسابقات دوستانه معمولاً اهمیت چندانی در ارزیابی عملکرد تیم‌ها ندارد اما

گزارش

جام ملت‌های آسیا، آخرین شانس قلعه‌نویی؛ محافظه‌کاری تمام می‌شود؟

نه صرفاً بیان اینکه اگر زمان به عقب بازگردد، همان تصمیم‌ها تکرار خواهند شد. اکنون که گویا فدراسیون فوتبال تصمیم گرفته همکاری با قلعه‌نویی را ادامه دهد، مهم‌ترین مطالبه از کادر فنی دیگر حفظ نیمکت نیست. بلکه تغییر رویکرد باید در دستور کار ژنرال و همکارانش قرار بگیرد. یوزها برای موفقیت در جام ملت‌های آسیا به برنامه‌ای تازه نیاز دارد. برنامه‌ای که در آن جوان‌گرایی واقعی، انعطاف تاکتیکی، شجاعت در تصمیم‌گیری و ارائه فوتبال تهاجمی، جای محافظه‌کاری بیش از حد را بگیرد. جام ملت‌های آسیا شاید آخرین فرصت این نسل از فوتبال ایران برای رسیدن به یک افتخار بزرگ باشد. اگر قرار باشد تیم ملی با همان تفکرات، همان ترکیب و همان شیوه مدیریت مسابقات وارد این رقابت‌ها شود، بعید است نتیجه‌ای متفاوت رقم بخورد؛ اما اگر ادامه همکاری با قلعه‌نویی همراه با بازنگری جدی در تفکرات فنی، انتخاب بازیکنان و سبک بازی باشد، هنوز می‌توان به آینده امیدوار بود.

در نهایت، بحث اصلی، ماندن یا نماندن امیر قلعه‌نویی نیست. مسئله این است که آیا او حاضر است خودش را تغییر دهد؟ تاریخ فوتبال نشان داده مربیانی موفق‌تر بوده‌اند که پس از هر ناکامی، مسیر تازه‌ای برای پیشرفت انتخاب کرده‌اند. اگر چنین تغییری در تیم ملی ایران رخ دهد، حمایت از ادامه همکاری با قلعه‌نویی می‌تواند تصمیمی قابل دفاع باشد؛ اما اگر همه چیز مانند گذشته پیش برود، حتی بهترین آمارها هم نمی‌توانند ناکامی احتمالی در جام ملت‌های آسیا را توجیه کنند.

دارند، اما هرگز نمی‌توانند جای کیفیت فنی و تصمیم‌های درست را بگیرند. در نهایت فوتبال با نتیجه و کیفیت بازی در ذهن هواداران باقی می‌ماند، نه با نمودارها و اعداد. دیگر از انتقادهای جدی به عملکرد کادر فنی، موضوع جوان‌گرایی است. پس از جام ملت‌ها وعده داده شد که تیم ملی به سمت تغییر نسل حرکت خواهد کرد، اما در عمل این اتفاق با سرعت مورد انتظار رخ نداد. همچنان بخش عمده بار تیم روی دوش بازیکنان باتجربه باقی ماند و بسیاری از استعدادهای جوان تنها در فهرست حضور داشتند، بدون اینکه فرصت واقعی برای بازی پیدا کنند. در فوتبال امروز، تیم‌هایی موفق هستند که پیش از پایان نسل فعلی، نسل آینده را آماده کرده باشند، موضوعی که فوتبال ایران هنوز با آن دچار چالش است. انتخاب بازیکنان نیز از دیگر محورهای انتقاد از قلعه‌نویی بوده است. اصرار بر استفاده از برخی بازیکنان باتجربه، بدون آنکه خروجی فنی قابل توجهی داشته باشند، به این انتقادها دامن زد.

پس از ناکامی تیم ملی، انتظار می‌رفت سرمربی با نگاهی آسیب‌شناسانه به دلایل حذف بهردازد و به‌صورت شفاف از اشتباهات فنی سخن بگوید. اما بخش عمده صحبت‌های او بر نقش بدشانسی، اتفاقات مسابقه و جزئیات غیرقابل کنترل متمرکز بود. بدون تردید شانس در فوتبال تأثیرگذار است؛ اما تیم‌های بزرگ دقیقاً با برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری درست، اثر همین اتفاقات را به حداقل می‌رسانند. پذیرش مسئولیت زمانی معنا پیدا می‌کند که همراه با ارائه راهکار برای اصلاح مسیر باشند،



دوستانه آغاز شده، می‌تواند در شروع رسمی فصل ابعاد گسترده‌تری پیدا کند و شرایط را برای سرمربی جدید مدافع عنوان قهرمانی دشوارتر از قبل سازد و زمینه برای جدایی و اخراج ربیعی فراهم شود.

ابتدای کار با حساسیت زیادی همراه است. البته از منظر فنی، چنین مسابقاتی بیشتر با هدف محک زدن بازیکنان، بررسی تاکتیک‌ها و رسیدن به هماهنگی برگزار می‌شود و نتیجه در اولویت دوم قرار دارد اما در تیمی مانند تراکتور که انتظارات از آن بسیار بالاست، حتی نتایج بازی‌های دوستانه هم زیر ذره‌بین هواداران قرار می‌گیرد.

در این میان محمد ربیعی به خوبی می‌داند که فصل را زیر فشار آغاز خواهد کرد. او برای جلب اعتماد هواداران، چاره‌ای جز کسب نتایج مطلوب در هفته‌های ابتدایی لیگ برتر ندارد. در غیر این صورت، انتقادهایی که امروز پس از یک بازی

خبر

تداوم حال بد چمن خانه تراکتور



طرح‌نو؛ گروه ورزش

چمن ورزشگاه خانگی تراکتور در کمتر از یک ماه مانده به آغاز لیگ برتر شرایط نامطلوبی دارد. به گزارش پایگاه خبری تحلیلی «آناج»، اواخر بهار سال گذشته بود که کلنگ تعویض زمین چمن ورزشگاه یادگارامام (ره) تبریز با حضور استاندار به زمین دوخته شد. گفتند این چمن هیبریدی است؛ تلفیقی از چمن طبیعی و مصنوعی. وعده دادند ۱۰ سال پاسخگو و در یخبندان تبریز سرسبز خواهد بود. تراکتور که عادت به میزبانی در فضای اعجاب‌انگیز یادگار را داشت فصل گذشته با امید در اختیار داشتن یک زمین استاندارد، نقل‌مکان به بنیان دیزل را به جان خرید و ماهه‌ا از خانه دور ماند.

مدتی بعد از پهن شدن چمن جدید اما ویدیویی در فضای مجازی منتشر شد. قسمت‌هایی از زمین به زردی گراییده بود؛ گویی چمن نونوار شده در حال نابودی است. حبیب مقصودی، مدیرکل ورزش‌وجوانان آذربایجان‌شرقی آن ویدئوها را بی‌اساس خواند. پنجشنبه ۲۵ تیر، برای پوشش دیدار کاراگستر شبستر و شهرداری نوشهر در جریان هفته پایانی لیگ دسته یک راهی ورزشگاه شدم. این دیدار جنبه‌ی تشریفاتی داشت. بقا برای شبستر‌ها و سقوط برای نوشهری‌ها از پیش مشخص شده بود؛ اما دقایقی زودتر رفتم تا از وضعیت ورزشگاه و زمین چمن بازدید کنم. زمین یادگار جای خود را به پهنه‌ای سبز اما کدر و دارای تکه‌هایی زرد و ناهموار داده بود. چمن خانه‌ی تراکتور، با گذشت چیزی حدود یک سال از پهن شدنش بیشتر از هر زمان به زردی گراییده و به

طرح نو بررسی می‌کند؛

شهریار؛ شاعر ملی، شاعر مذهبی، شاعر پایداری



کوه حیدربابا که در این شعر، مخاطب یاد تلخ و شیرین شهریار است کوهی است کوچک که در سایه تفکر بلند پروازانه شاعر، چنان اوج می‌گیرد که در قاموس ارتفاعات جهان، خود را به ثبت می‌رساند.

در روزگاری که بعضی از هنرمندان و شاعران، دست‌بوسی و پابوسی ارباب قدر قدرت را افتخاری برای خود می‌پنداشتند شهریار بزرگ از این فضاحت دوری می‌کند و از همین روست که در تاریخ ۱۳۴۶ از قبول ریاست کتابخانه پهلوی و مهاجرت به تهران سرباز می‌زند.

حرکت تکاملی شاعر در حوزه شعر، مبتنی بر شرایط موجود هنری و هم با روند پیشرو شعر است و هم از این روست که برخلاف دیگران به خلاقیت و تعالی بخشیدن به آثار خود به شیوه نوین شعر معاصر به ویژه به نیما یوشیج دلبستگی فراوان نشان می‌دهد. به نحوی که می‌تواند با آفرینش آثاری چون «مومیایی» و «دو مرغ بهشتی» و «هذیان دل» و ... آثار ماندگاری از خود برجای گذارد.

پرداختن به کلیات آثار شهریار و تجزیه و تحلیل اندیشه و شگردهای هنری او، دراین مجال کوتاه نمی‌گنجد. ولی اشاره به چند وجه از اندیشه وی در حوزه‌های اجتماعی و اعتقادی و مهنی و انسانی، از مواردی است که می‌توان به طور اجمال در اطراف آن‌ها سخن گفت و به تعبیر بهتر، روح پایداری او را در این قلمرو باز شناخت.

نگرش اجتماعی شاعر

شهریار در عین پرداختن به شعرهای غنایی و نظایر آن که بخشی از آثار اوست بیشترین توجه خود را به طرح مسائل اجتماعی از قبیل فقر و غنا و فقر فرهنگی معطوف می‌دارد و به طور مستقیم و غیرمستقیم، وضعیت موجود را به باد انتقاد می‌گیرد: فرهنگ ما، برای جهالت فزودن است مامور زشت بودن و زیبا نمودن است غزل «ارباب زمستان» نمونه‌ای است درخشان که با

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب – شیرینعلی گلمرادی سیدمحمدحسین بهجت تبریزی که با تغال از دیوان خواجه شیراز و تحت تأثیر مصرع: «که چرخ این سکهٔ دولت به نام شهریاران زد» تخلص شاعرانه یافته است، در شهریور ۱۲۸۵ در بازارچه میرزا نصرالله تبریز چشم بر جهان گشود و در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ در بیمارستان مهر تهران دار فانی را وداع گفت. شرکت مقامات سیاسی و فرهنگی و فرهیختگان جامعه و اقشار مختلف مردم در مراسم تشییع جنازه استاد شهریار، نشان دهنده شناخت جامعه از شاعر بزرگی است که در تمام دوران حیات پرفراز و نشیب خود، توانسته بود با سخن گفتن از آرمان‌های مردمی و پیوستگی مدام با فرهنگ جاودانه اسلام از خویشتن چهره‌ای بنماید که شایسته این شاعر ملی است.

عشقی که ناگاهان روزگار وجود شهریار را دربرمی‌گیرد، در حقیقت، نردبانی است بلند که او را از دلبستگی‌های خاکی و مجازی به ماورای آسمان می‌رساند، چنان که در سلوک شاعرانه خود به «ابدیتی» دست می‌یابدکه برای او نزدیک و ملموس است: ابدیت که به هر جلوه تجلا می‌کرد عشق بازی، همه در آینه ما می‌کرد و در ادامه این سیر و سلوک است که به خواجه شیراز اقتدا می‌کند. چنان که گاهی با وی در کوچه زندان قدم می‌زند و گاهی از «شراب طهورا» جرعه‌ها می‌نوشد:

به شهر عشق منم شهریار و چون حافظ منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن...
* نگاه فراز غرفه – خندان – حافظ که به زهره نرد می‌باخت زانو زده بودم – اشک ریزان – کز طرف درپچه گردن افراخت لبخندزنسان، کلام‌رنندی از سر بگرفت و بر من انداخت بشکفت بهشت خواجه در من اقامت چندگاهی در خشکاب و قیش قرشاق (مستقالراس شاعر) فرصتی است برای دیدار یاران و یادکرد سفرکردگان و تماشای کوه و جلگه دشت و آشتی مجدد با فرهنگ و سنت روستایی که زیباترین اثر ادبی «حیدربابا یه سلام» را در کارنامه شاعرانه شهریار رقم می‌زند، اثری که در آن رقت و احساس و عواطف انسانی چنان به تصویر کشیده شده است که هر خواننده صاحبدل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اثر که به چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است می‌تواند یکی از ماندگارترین آثار ادبی به شمار آید. حیدربابا! گون دالوی داغلاسون اوزون گلسون، بولاخارون آغلاسون اوشاقلارون، بیر دسته گل باغلاسون یل گلنده وشرگرتسون، بویانا بلکه منیم یاتمیش بختیم اویانا

نبوغ خود به کار التیام زخم انسان کن
سر این ناجوانمردان سنگین دل به راه‌آور
...
زمین یک پایتخت امپراطوری وجدان کن
تفوق در جهان قائل مشو جز علم و تقوی را...

حس میهن خواهی در شعر شهریار

این آذری پارسی‌گوی که تار و پود وجودش از رشته‌های محبت ایران و ایرانی بافته شده است، سعی دارد این تعلق خاطر را به نحوی درهر یک از موضوعات شعری خود تجلی بخشد. حتی آن جا که از زادگاه خود، آذربایجان، سخن می‌گوید، این ایرانی است که درذهن و ضمیر شاعر، نقش می‌بندد و در صورت غایی آثارش جلوه‌گری می‌کند:
پر می‌زند مرغ دلم با یاد آذربایجان
خوش باد وقت مردم آزاد آذربایجان
آزادی ایران ز تو، آبادی ایران ز تو
آزادباش ای خطه‌ی آباد آذربایجان
تا باشد آذربایجان، پیوند ایران است و بس
این گفت با صوتی رسا فریاد آذربایجان

و این شیفتگی جوشنده از جان شیفته شاعر، چنان وسیع و گسترده است که با گذر از دالان‌های تاریخ و روشن تاریخ، تمدن دیرپا و درخشان ایران را در آن سوی دیوارهای زمان، با لحنی از تحسر و افتخار، دنبال می‌کند و درکنار ستون‌های ایستاده تخت جمشید، آواز عاشقانه خود را سر می‌دهد:

... تخت جمشید، همان مدفن راز
منتجیق رسن عمر دراز
شاهد گشت و گذشت گردون
پیراعصار و پس افکند قرون
آتش و خون مکرر دیده
سرو سرسام سکندر دیده
پیر بی‌یار و قیبت مانده
نوحه داغ عزیزان خوانده
همچنان موی بر اندامش تیز
خیره در خیل سپاه چنگیز
گوش کن! پیروسخن می‌گوید:
وای کاین جمله به من می‌گوید:
این حریمی‌ست همایون درگاه
تو هم ای خیره! ادب‌دار نگاه
این، همان کاخ و شکوه تمکین
که جهان داشته در زیر نگین
پاسبانان درش، پادشهان
تاجداران به سرش باج‌دهان
...
باری از ما به سلامت بگذر
خاک راهیم به ما رشک میر
دست از غارت و دزدی بردار
وین به دزدان تمدن بگذار؟!

توضیح: کلیه نمودها و مصداق‌از کلیات دیوان استاد شهریار، چاپ چهارم به سال ۱۳۵۵ که به وسیله انتشاراتی سعدی تبریز و معرفت نشر یافته، انتخاب و آورده شده است.



افراد می‌خواهند درباره تاریخچه زندگی خود بنویسند، بلکه برای درک اینکه چرا بسیاری از ما خاطرات آن‌ها را می‌خوانیم، غرق شدن در جزئیات ریز زندگی دیگری همانند دوستی با او نیست، اما آیا می‌تواند این حس را ایجاد کند که «دیده می‌شویم»؟ شاید باید این مدخل را زیر حرف «کنجکاوی» گذاشت. بنابراین خواندن جزئیات زندگی یک فرد غریبه جای دوستی را نمی‌گیرد، اما شاید به ما حس «دیده شدن» بدهد؛ همان نیازی که بسیاری از خاطره‌نویسان و مخاطبانشان را به هم پیوند می‌دهد.

هشتگ #آقای_شهید-ایران مورد پذیریش دبیرخانه خواهد بود.
گفتنی است؛ در بخش ادبی (شعر و دلنوشته) سروده‌ها و یادداشت‌های ادبی با محوریت بدرقه امام شهید و ارادت قلبی مردم آذربایجان به انقلاب مورد نظر پوشش است که عموم علاقه‌مندان می توانند آثار خود را تا ۵ مرداد به آدرس الکترونیکی azarsh.farhang.gov.ir ارسال کنند.

نواختن شور کربلایی می‌پردازد:
شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین
روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
از حریم کعبه جدش ، به اشکی شست‌دل
کعبه، پشت‌سر نهاد، اما صفا دارد حسین
می‌بُرد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم
پیش از این‌ها حرمت کوی منا دارد حسین
بس که محمل‌ها رود منزل به منزل باشتاب
کس نمی‌داند عروسی یا عزا دارد حسین
رخت و دیباج حرم، چون گل به تاراجش برند
تابه جایی که کفن، از بوریا دارد حسین
بردن اهل حرم، دستور بود و سرْغیب
ور نه این بی‌حرمتی‌ها، کی‌روا دارد حسین؟
دشمنانش، بی‌امان و دوستانش، بی‌وفا
باکدامین سرکنند؟ مشکل دو تا دارد حسین
ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه‌ای
گوش کن! عالم‌پر از شور و نوا دارد حسین
شمرگوید: گوش کردم تا چه خواهد از خدای
جای نفرین، هم به لب دیدم دعا دارد حسین !

عواطف انسانی در شعر شهریار

شاعر مسلمانی چون شهریار که روحی تابناک دارد، نمی‌تواند در برابر رویداد پیش‌آمدها و حوادث که موجودیت انسان‌ها و طبیعت را مورد تهدید قرار می‌دهد بی‌تفاوت و نظاره‌گر باشد. در شعر «پیام به انیشتن» که تحقیقاً فاجعه هیروشیما و ناکازاکی مدنظر اوست، با نگاهی چند لایه، «انیشتن» را مورد عتاب خطاب قرار می‌دهد:

انیشتن! یک سلام ناشناس البته می‌بخشی!
روان در سایه روشن‌های یک مهتاب خلیایی
نسیم شرق می‌آید شکنج زلف‌ها افشان
فشرده زیر بازو، شاخه‌های ترگس و مریم
از آن‌هایی که در سعدیه شیراز می‌رویند
...
درون کاخ استغنا، فراز تخت اندیشه
سر از زانوی استغراق خود بردار
به این مهمان که بی‌هنگام و ناخوانده‌ست در بگشای
...
انیشتن! صد هزار احسن ولیکن صدهزار افسوس!
حریف، از کشف و الهام تو دارد بمب می‌سازد
انیشتن اژدهای جنگ!
جهنم ، کام وحشتناک خود را بازخواهد کرد
دگر پیمانه عمر جهان، لبریز خواهد شد
دگر عشق و محبت از طبیعت قهر خواهد کرد
چه می‌گویم؟
مگر مهر و وفا، محکوم اضمحلال خواهد بود
«مگر آه سحر خیزان، سوی گردون نخواهد شد؟»
مگر یک مادر از دل «وای فرزندم» نخواهد گفت؟
*
انیشتن! بغض دارم در گلو دستم به دامانت

نیاید اجازه دهند میل به دوست‌داشتنی بودن آنان را فریب دهد. همچنین نمی‌توان بیش از حد دلواپس شد اگر دوست قدیمی مدرسه‌تان ناراحت شود چون شما به اشتباه به یاد آورده‌اید که برادرش را در قطار دیده‌اید (چنان‌که برای خود موريسون رخ داد)، هرچند هنگام افشای روابط عاشقانه نزدیکانتان باید نزاکت انسانی را رعایت کنید (باز هم تجربه‌ای از موريسون). موريسون راه میانه‌ای پیشنهاد می‌کند. جعل آگاهانه و ساختن تاریخ‌های خیالی برای فریب، خط قرمز است و در عین حال، نویسنده نباید از ترس رنجاندن دیگران، از کارش تجربه‌های دردناک و شرم‌آور دست بکشد. زندگی‌نویسی بدون شجاعت، به گزارشی بی‌خطر و کم‌اثر بدل می‌شود. رویکرد الفبایی کتاب پیامد دیگری هم دارد: خواننده را به مشارکت دعوت می‌کند. یکی از جذاب‌ترین پیامدهای رویکرد الفبایی او این است که خواننده شروع می‌کند به افزودن مدخل‌های خودش. میان «دوست‌داشتنی بودن» و «فقدان» با خود فکر کردم آیا جایی برای «تنهایی» نیست؟ نه فقط برای فهم اینکه چرا

با این حال، مهم‌ترین بحث کتاب، در حاشیه همین مدخل‌های به‌ظاهر ساده شکل می‌گیرد: آیا خاطره‌نویسی باید کاملاً «حقیقی» باشد؟ حافظه لغزنده است و هر روایت، در کنار خود، روایت‌های دیگری را نیز فرا می‌خواند. دعوت امروز به «گفتن حقیقت خود» اگرچه به صراحت تشویق می‌کند، اما یادآور می‌شود که دیگران هم حقیقت خود را دارند. در چنین وضعیتی، تعارض روایت‌ها می‌تواند به چالش‌های اخلاقی و حتی حقوقی بینجامد. آیا یک زندگی‌نویس متعهد باید نگران آنچه دیگران فکر می‌کنند باشد؟ موريسون کمی با احتیاط پاسخ می‌دهد: باید تا حد امکان صادق بود و قطعاً نباید برای فریب و دستکاری، تاریخ‌های کاملاً ساختگی بسازید (نگاه کنید به تجربه‌های ساختگی بنجامین ویلکومیرسکی درباره هولوکاست). اما نویسندگان نیز

انتشار فراخوان پویش استانی «باید برخاست» در آذربایجان شرقی

پویش استانی «باید برخاست؛ روایت آذربایجان از آقای شهید ایران» با هدف ثبت حماسه حضور، دلدادگی و غیرت مردم آذربایجان‌شرقی در تشییع پیکر مطهر امام شهید، به تصویر کشیدن کتب «آقای شهید ایران» و تجلی عشق و وفاداری

مردم آذربایجان به انقلاب اسلامی برگزار می‌شود.
بخش فیلم مستند و کلیپ این پویش شامل مستندهای کوتاه، نماهنگ، و ویدیوهای موبایلی از مراسم‌های بدرقه و وداع با امام شهید و بخش عکس با

محوریت عکس‌های حرفه‌ای و موبایلی از قاب‌های ماندگار وداع مردم با رهبر شهید انقلاب است.

همچنین از بخش تولیدات رسانه‌ای و مجازی آثاری در قالب گزارش، خبر،

و طرح‌های گرافیکی و استوری‌های خلاقانه با

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
پویش استانی فیلم مستند، عکس، تولیدات رسانه ای، شعر و دل‌نوشته با عنوان «باید برخاست؛ روایت آذربایجان از آقای شهید ایران» در آذربایجان شرقی برگزار می‌شود.

مفتودی	روزنامه طرح نو
سند کارخانه سواری هاچ بک سیستم فونیکس تیپ TIGGO7PROAT مدل ۱۴۰۳ به رنگ سفید – روغنی شماره موتور MVME4T15CBKR046491شماره شاسی NATGBACJ7R1042778 و شماره پلاک ایران ۲۵– ۳۹۱ ص ۶۹ به مالکیت آقای ولی نوری آذر با شماره ملی ۶۰۲۹۸۵۷۶۳۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	

یک نمایشنامه نویس:

شخصیت‌های غیر انسانی، پلی برای ارتباط بهتر با کودکان هستند

بیش‌تری در این عرصه کار کنند و از سختی‌ها و مشکلات هراسی نداشته باشند و البته به کیفیت آثار خود توجه زیادی داشته باشند و معجزه‌ی بازنویسی‌های مکرر را از یاد نبرند. هر چه‌قدر نمایش‌نامه‌نویسان جوان و نسل امروز که برای تئاتر کودک و نوجوان می‌نویسند به این مسائل توجه کنند، طبعن به بهبود و ارتقای این نوع نمایش‌نامه‌نویسی و تئاتر کودک و نوجوان کمک می‌کنند و آثارشان تأثیرگذارتر خواهد بود.

شما در اغلب این پنج نمایش‌نامه‌ی منتشرشده‌ی کودک و نوجوان خود از آثار ادبیات داستانی کودک و نوجوان اقتباس کرده‌اید. در فرآیند اقتباس، چه معیارهایی برای انتخاب یک اثر در نظر می‌گیرید و هنگام تبدیل آن به نمایش‌نامه‌ای برای کودک و نوجوان، چه‌گونه میان وفاداری به متن اصلی و نیازهای نمایشی و مخاطب امروز تعادل برقرار می‌کنید؟

در اقتباس از آثار ادبیات نمایشی و نیز نوشتن نمایش‌نامه‌ی اقتباسی معیار خاصی ندارم جز این که جذابیت سوژه و موضوع و مفاهیم آن‌ها برایم اهمیت دارد. اگر هر متن داستان یا متن ادبی‌ای را بخوانم و ببینم که برای کودک و نوجوان ما مناسب است و یا می‌تواند جذابیت‌های نمایشی خوبی را برای آن ایجاد کرد، حتمن در برنامه‌ی نمایش‌نامه‌نویسی‌ام قرار می‌دهم. طبیعتن اغلب به متن اصلی وفادار می‌مانم اما خب بهره‌گیری از عنصر فانتزی، ایجاد و اضافه کردن موقعیت‌های نمایشی جدید، توجه به زبان نمایشی، تصویرسازی‌های متنوع و متعدد، ایجاد پرسش و اندیشه و در صورت لزوم توجه ویژه به اشعار کودکان و هم‌چنین توجه به نیازهای ام‌روزی مخاطب کودک و نوجوان، مسائل و مباحثی است که از نظرم دور نمی‌ماند. بسته به جذابیت‌های متن اولیه داستانی یا هر متن ادبی دیگری است که تازه‌گی هم داشته باشد سعی می‌کنم یا موضوع‌ها و مسائل کم‌تر پرداخته شده یا پرداخته‌شده در نمایش‌نامه‌های کودک و نوجوان و و نیازهای کودکان و نوجوانان امروز که می‌تواند در آن‌ها مطرح شود یا موضوعات و فرهنگ ملی ایرانی ما که در ادبیات نمایشی کودک و نوجوان امروز مورد غفلت قرار گرفته، پلی بزنم و به تصویرشان درآورم.

این پنج نمایش‌نامه برای چه گروه سنی‌ای نوشته شده‌اند و هنگام نوشتن، چه‌طور ویژه‌گی‌های ذهنی، عاطفی و زبانی هر گروه سنی را در نظر می‌گیرید؟

در این پنج نمایش‌نامه تقریبن به همه‌ی گروه‌های سنی خردسال، کودک و نوجوان توجه کرده‌ام. البته همیشه سوژه‌ها و موقعیت‌های نمایشی، مخاطبان گروه سنی مختلف کودک و نوجوان را تعیین می‌کنند نه این‌که الزامن از قبل به این فکر کنم فلان ایده‌ام را برای مخاطب کودک بنویسم یا برای مخاطب نوجوان. بعد از پایان هر نمایش‌نامه و پس از بازنویسی‌های متعدد، دسته‌بندی‌های و گروه‌بندی‌های سنی آن را تعیین می‌کنم. البته قبل از شروع نوشتن می‌دانم که قرار است این متن را برای مخاطب کودک بنویسم یا مخاطب نوجوان یا حتا مخاطب خردسال برای این که در طول نوشتن مسائل عاطفی و ذهنی و نیازهای روحی و روانی آن‌ها را بایستی در موقعیت‌های مختلف نمایشی در نظر بگیرم؛ ولی گروه سنی دقیق آن‌ها را بعد از به پایان بردن آن‌ها تعیین می‌کنم.

به نظر شما در نمایش‌نامه‌نویسی برای کودک و نوجوان، توجه به گروه سنی چه تأثیری بر زبان، شخصیت‌پردازی و نوع روایت دارد؟

نمایش‌نامه‌نویسی که از قبل بداند مخاطبان گروه سنی خود چه کسانی هستند، مسلمان به همه‌ی وجوه و عناصر درام خود توجه می‌کند به خصوص لازم است به عناصری مثل زبان، دیالوگ، لحن و ریتم، شخصیت‌پردازی، روایت‌پردازی و تصویرسازی و حتا بهره‌ی گیری از زبان طنز و ایجاد موقعیت‌های شاد و کمیک توجه بیش‌تری کند تا به جذابیت‌بخشی نمایش‌نامه‌اش و تأثیرگذاری بیش‌تر بر روی مخاطبانش دست پیدا کند. مسلمان اگر به عناصر این چنینی توجه کند، متنش تأثیرگذارتر خواهد شد / ایبنا.

آیا احساس می‌کنید دغدغه‌ها و سلیقه‌ی کودکان و نوجوانان امروز نسبت به نسل‌های گذشته تغییر کرده است؟ این تغییرات چه تأثیری بر شیوه‌ی نوشتن شما داشته یا باید داشته باشد؟

طبیعی است که در هر دوره و نسلی و در سطوح و تخصص‌های مختلف آن دوره، تغییرات زیادی اتفاق می‌افتد و به تبع آن نیازهای مخاطبان نیز تغییر می‌کند. دغدغه‌ها و سلایق و مسائل کودک و نوجوان امروز با دغدغه‌ها و سلایق و مسائل کودک و نوجوان دی‌روز بسیار فرق می‌کند. چون دنیای فن‌آوری و دیجیتال در دوره‌ی معاصر بسیاری از معادلات زندگی را دچار تغییر و تحول کرده است و بر زنده‌گی همه‌ی افراد اعم از کودک، نوجوان، بزرگ‌سال تأثیر گذاشته است. برای همین لازم است نمایش‌نامه‌نویس کودک یا نوجوان علاوه بر توجه به نیازهای همیشه‌گی این گروه سنی به نیازهای و مسائل و دغدغه‌های کودکان و نوجوانان نسل امروز و کنونی توجه کند و به این نیازها پاسخ دهد. من هم بر حسب موضوع و موقعیت‌های نمایشی در نوشتن برخی از نمایش‌نامه‌های کودک به دغدغه‌های ام‌روزی کودکان هم پرداخته‌ام و سعی کرده‌ام به نیازهای ام‌روزی آن‌ها هم توجه کنم.

بسیاری معتقدند ادبیات نمایشی کودک و نوجوان کمتر از داستان و رمان مورد توجه قرار گرفته است. به نظر شما برای رونق این حوزه، نقش مدرسه‌ها، خانواده‌ها، ناشران و جشنواره‌های تئاتر چیست؟

بله اصولن این‌گونه است. حتا تعداد ناشران تئاتر کودک و نوجوان به نسبت ناشران ادبیات داستانی کودک و نوجوان در بخش خصوصی خیلی کم است و اساسن قابل مقایسه نیست. نقش تبلیغات و اطلاع‌رسانی برای آگاهی پدران و مادران و نیز مربیان تربیتی کودک و نوجوان خیلی مهم است و در این بخش هرگز ندیده‌ام هزینه‌ای انجام شود. متأسفانه برای کتاب‌های نمایش‌نامه‌ی کودک و نوجوان اطلاع‌رسانی کافی انجام و اصلن تبلیغ نمی‌شود. نهاد آموزش و پرورش، مدارس و مهدکودک‌ها و پیش‌دستانی‌ها و نهادهای مرتبط با کودک و نوجوان مثل کانون پرورش فکری وکودکان و نوجوانان، سازمان بهزیستی، شبکه‌های کودک و نوجوان در رادیو و تلویزیون در حمایت از این آثار و رونق‌بخشی انتشار ادبیات نمایشی کودک و نوجوان می‌توانند بسیار یاری‌رسان باشند. دو جشنواره‌ی تئاتر کودک و نوجوان و تئاتر عروسکی و انجمن تئاتر کودک و نوجوان و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان تا حدودی به این مسئله توجه کرده‌اند، اما کافی نیست؛ برای این‌که خوش‌بینانه شاید فقط به حدود ده تا پانزده درصد آثار ادبیات نمایشی کودک و نوجوان توجه می‌کنند. برگزاری جلسات نقد و بررسی، سمینارهای تخصصی، نمایش‌نامه‌خوانی و رونمایی ادبیات نمایشی کودک و نوجوان و برگزاری مسابقات نمایش‌نامه‌نویسی در بخش خصوصی و بین ناشران کودک ونوجوان نقش زیادی می‌توانند در معرفی و رونق‌بخشی انتشار این گونه آثار داشته باشند تا گروه‌های تخصصی تئاتر کودک و نوجوان، مخاطبان و خانواده‌های آن‌ها بتوانند از انتشار این نوع آثار آگاه شوند و بهره‌ی لازم را ببرند.

اگر بخواهید به نسل جوانی که امروز علاقه‌مند به نوشتن نمایش‌نامه برای کودک و نوجوان است یک توصیه‌ی کلیدی بکنید، آن توصیه چه خواهد بود و چرا؟

نوشتن در حوزه‌ی ادبیات نمایشی کودک و نوجوان مثل هر کار خلاقه‌ی هنری دیگر، تحمیلی و اجباری نیست و اگر از دوران کودکی و تحصیل در مدارس، خوراک فرهنگی هنری برای رشد شخصیت کودکان و نوجوانان فراهم شود و مسئولان فرهنگی در آموزش و پرورش و نهادهای مرتبط با کودک و نوجوان به نیازهای آنان توجه کنند، این علاقه در بزرگ‌سالی هم‌زمان با تحصیلات دوره‌ی دبیرستان و دانشگاه به وجود می‌آید. اما نمایش‌نامه‌نویسان جوان و نسل جدید بر حسب دغدغه‌ها و علایق فردی به ادبیات نمایشی کودک و نوجوان می‌بایستی با جدیت و پشت‌کار



برخورد با این نوع آثار بیش‌تر ببندیدش و پرسش‌های جدیدی را در ذهنش ایجاد کند.

وضعیت امروز نمایش‌نامه‌نویسی کودک و نوجوان در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وضعیت نمایش‌نامه‌نویسی کودک و نوجوان ما جدا از خود وضعیت تئاتر و وضعیت تئاتر کودک و نوجوان ما نیست. علارغم افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان و دانش‌جویان تئاتر، هنوز آن‌چنان که باید، وضعیت نمایش‌نامه‌نویسی ما چندان خوب نیست؛ اگرچه در طول دو دهه‌ی اخیر نمایش‌نامه‌های بیش‌تری تولید شده و به صحنه رفته و منتشر شده و آثار خوبی هم خلق و تولید شده، ولی هنوز تا رسیدن به نقطه‌ی مطلوب فاصله‌ی زیادی داریم. متأسفانه ما در رشته‌های تئاتر دانش‌گاهی، رشته‌ی تئاتر کودک و نوجوان نداریم و برای تولید تئاتر کودک و نوجوان جز برای برگزاری جشنواره‌ی سراسری تئاتر کودک و نوجوان و اجرای نمایش در دو سالن تخصصی تئاتر کودک و نوجوان (تالار هنر و دو سالن مرکز تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران) سیاست‌گذاری ویژه‌ای نمی‌شود. ضمن این‌که تولیدات تئاتر نوجوان هم در این دو سالن کم‌تر است؛ چون اساسن در کشورما به نیازهای فرهنگی و هنری مخاطبان نوجوان خیلی کم‌تر توجه می‌شود. با توجه به ازدیاد مخاطبان این گروه سنی کشور ما یعنی هم کودک و هم نوجوان، لازم است از نمایش‌نامه‌نویسی و اجرای تئاتر کودکان حمایت‌های بسیار بیش‌تری انجام شود. طبیعی است افزایش بودجه و نیز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی دقیق و هدف‌مند برای تأمین نیازهای فرهنگی و هنری کودکان و نوجوانان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ واقعیت این است که می‌بایستی از نمایش‌نامه‌نویسی کودکان و نوجوانان و نیز حتا بزرگ‌سالان حمایت‌های زیادی شود و بیش از پیش به آن‌ها توجه شود. پیش‌نهادم این است نهادهای متولی فرهنگ و هنر از نمایش‌نامه‌نویسان حرفه‌ای دعوت کنند و حمایت‌های شایسته و بایسته را به انجام برسانند تا نمایش‌نامه‌هایی قدرتمند و جذاب برای کودکان و نوجوانان بنویسند. تولید و انتشار این نوع نمایش‌نامه‌ها توسط ناشران بخش‌های دولتی و خصوصی می‌تواند به رشد و تقویت‌شان بینجامد و این نوع نمایش‌نامه‌نویسی را ارتقا ببخشد.

فکر می‌کنید مهم‌ترین چالش‌های نویسندگان و گروه‌های نمایشی در این حوزه چیست؟

کم‌بود نمایش‌نامه‌های خوب و با کیفیت و دست‌مزد شایسته برای نویسندگان نمایش‌نامه‌های کودک و نوجوان یکی از مشکلات مهم گروه‌های تئاتر کودک و نوجوان است. اساسن تولید کار باکیفیت در تئاتر و سینما، پرهزینه و گران است و گروه‌های نمایشی برای این‌که از پس هزینه‌های تولید برآیند، اولین کاری که می‌کنند بودجه‌ی خیلی کم برای تولید نمایش‌نامه در نظر می‌گیرند یا حتا بودجه‌ای در نظر نمی‌گیرند و به اقتباس‌های خیلی ضعیف از داستان‌های خارجی کودک و نوجوان روی می‌آورند. از طرفی آموزش سیستماتیک و برنامه‌ریزی‌شده برای نمایش‌نامه‌نویسی کودک و نوجوان وجود ندارد؛ چون رشته‌ی تخصصی دانش‌گاهی در این عرصه وجود ندارد. برای همین مثل انجام کار پژوهشی، اغلب این نمایش‌نامه‌ها با دغدغه‌ها و علاقه‌های شخصی نویسند گان آن‌ها نوشته می‌شود.

و سریع‌تر، دست نمایش‌نامه‌نویس برای خلق لحظات نمایشی و بهره‌گیری از عنصر یا عناصر فانتزاستیک بازتر است و زمینه را برای بیان مسائل و موضوعات آموزشی فراهم می‌کند تا غیر مستقیم این مسائل و موضوعات را برای مخاطب کودک بازآفرینی و یادآوری کند. اساسن شیوه‌ی غیر مستقیم‌گویی همیشه تأثیرات به‌تری دارد و آموزش غیر مستقیم به مخاطبان کودک و نوجوان با این شیوه به‌تر و حتا سریع‌تر به نتیجه می‌رسد و تأثیرگذارتر است.

اگر امروز بخواهید یکی از این پنج نمایش‌نامه‌ی منتشر شده‌ی اخیر خود در حوزه‌ی کودک و نوجوان را دوباره بنویسید، کدام اثر را انتخاب می‌کنید و چه تغییراتی در آن ایجاد خواهید کرد؟

واقعیت این است که هنگامی که نمایش‌نامه‌ای را به پایان می‌برم، زمانی نسبتن زیاد از آن فاصله می‌گیرم. گاه این فاصله‌گیری به بیش‌تر از یک سال و حتا چند سال طول می‌کشد. و در این مدت هر بار که صحنه‌های آن را به یاد می‌آورم، در ذهنم پس و پیش می‌کنم و بعد از این مرحله نوبت به بازنویسی و بازنویسی و بازنویسی می‌رسد و به خصوص بر روی دیالوگ‌ها و زبان نمایش‌نامه تغییرات زیادی می‌دهم. در واقع با بازنویسی‌های چندباره و مکرر تلاش می‌کنم به اثر کم‌نقص‌تر و به‌تری نزدیک شوم و کلن هر کاری را که برای به‌تر شدن لازم است، انجام می‌دهم. از آن‌جایی که از نوشتن این پنج نمایش‌نامه تا مرحله‌ی چاپ‌شان زمان زیادی گذشته و تا قبل از چاپ بارها بازنویسی‌شان کرده‌ام، دیگر لازم به تغییری یا دوباره‌نویسی آن‌ها نمی‌بینم مگر آن‌که بخواهم برای اجرا و کارگرانی انتخاب‌شان کنم و تغییرات مورد نیاز و لازم را در حین تمرین برای دست‌یابی به ریتم به‌تری انجام دهم. هر چند که از بین این‌ها دو نمایش‌نامه‌ی داستان یک خر، هم برای اجرای نمایش‌نامه‌خوانی و هم صحنه‌ای تمرینات بسیاری انجام شد و تغییرات فراوانی کرد. اما خیلی دوست دارم به پرنده‌گان شلیک نکنیم را برای اجرای کاملن موزیکال به زبان شعر و به صورت کاملن موزون بنویسم.

به نظر شما مهم‌ترین ویژه‌گی یک نمایش‌نامه‌ی موفق برای کودک و نوجوان چیست؟ آیا بیش از هر چیز باید سرگرم‌کننده و آموزش‌دهنده باشد یا پرسش‌انگیز؟

دارا بودن وجه سرگرم‌کننده‌گی اصل مهم نمایش‌نامه‌ی کودک و نوجوان است ولی در دل این سرگرم کننده‌گی، بیان مفاهیم آموزشی و تربیتی، آن هم به شیوه‌ی غیر مستقیم از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع به نوعی این‌ها در آثار کودک و نوجوان لازم و ملزوم یک‌دیگرند. اما وجود دو ویژه‌گی مهم دیگر در نمایش‌نامه‌های کودک و نوجوان ضروری است، یکی داشتن قصه‌ی جذاب با همه‌ی عناصر مربوط به آن‌ها و دیگری بهره‌گیری از عنصر فانتزی و توجه لازم و کافی به آن. این دو عنصر آن‌قدر با اهمیت و قدرتمند هستند که تخیل مخاطب کودک را به حد زیادی گسترش می‌دهند و تأثیرات بسیار خوبی بر روی آن‌ها می‌گذارد؛ به خصوص موضوعاتی که به زمان یا مکان و دوره‌ی خاصی محدود نباشند. این‌ها زمینه‌هایی را فراهم می‌کند تا مخاطب کودک ضمن تخیل بیش‌تر، شاخک‌های حس‌اش تحریک و تقویت شود تا در

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر
بهباز صدیقی گفت: از آن‌جایی که از نوشتن این پنج نمایش‌نامه تا مرحله‌ی چاپ‌شان زمان زیادی گذشته و تا قبل از چاپ بارها بازنویسی‌شان کرده‌ام، دیگر لازم به تغییری یا دوباره‌نویسی آن‌ها نمی‌بینم مگر آن‌که بخواهم برای اجرا و کارگرانی انتخاب‌شان کنم و تغییرات مورد نیاز و لازم را در حین تمرین برای دست‌یابی به ریتم به‌تری انجام دهم.

ادبیات نمایشی کودک و نوجوان، بیش از هر زمان دیگری، به آثاری نیاز دارد که در کنار خیال‌پردازی و سرگرمی، بتوانند با زبان نمایش به دغدغه‌ها، پرسش‌ها و تجربه‌های نسل امروز پاسخ دهند. در این میان، بهزاد صدیقی، نمایش‌نامه‌نویس و پژوهشگر تئاتر، از جمله نویسندگانی است که در آثارش کوشیده است با بهره‌گیری از فانتزی، شخصیت‌های غیرانسانی، اقتباس از ادبیات کودک و توجه به عناصر نمایشی، مفاهیم انسانی و تربیتی را به شکلی غیرمستقیم و تأثیرگذار برای مخاطبان کودک و نوجوان روایت کند.

به مناسبت انتشار پنج نمایش‌نامه‌ی تازه‌ی او در حوزه‌ی کودک و نوجوان، در این گفت‌وگو از نگاهش به نمایش‌نامه‌نویسی برای این گروه سنی، نسبت میان آموزش و سرگرمی، جایگاه تخیل و فانتزی، اهمیت بازنویسی، اقتباس از آثار ادبی، ویژگی‌های مخاطبان امروز و نیز وضعیت تئاتر کودک و نوجوان در ایران پرسیده‌ایم. صدیقی در این گفت‌وگو، علاوه بر مرور تجربه‌های شخصی خود در نویسندگی، از چالش‌های این حوزه، ضرورت حمایت از نمایش‌نامه‌نویسان و نقش نهادهای فرهنگی در توسعه‌ی ادبیات نمایشی کودک و نوجوان سخن می‌گوید؛ گفت‌وگویی که تصویری روشن از دغدغه‌ها، تجربه‌ها و چشم‌اندازهای یکی از نویسندگان فعال این عرصه پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. متن کامل این مصاحبه را با هم می‌خوانیم.

در نمایش‌نامه‌های شما، مفاهیمی مانند دوستی، مسئولیت، خشونت، هویت و انتخاب، در قالب داستان‌هایی خیال‌انگیز مطرح می‌شوند. هنگام نوشتن، چه‌گونه میان پیام آموزشی و جذابیت نمایشی تعادل برقرار می‌کنید؟

واقعیت این است که اگرچه همواره در نمایش‌نامه‌های کودک و نوجوان مسائل آموزشی از اهمیت برخوردارند و نمایش‌نامه‌نویس تلاش می‌کند بار آموزشی مفاهیم خاصی را برای گروه مخاطبانش به شیوه‌ی غیر مستقیم مطرح کند، ولی آن‌چه اهمیت دارد موضوعات ساده و در عین حال مهمی است که در قالب قصه‌ی نمایشی تخیل و تصور می‌شود که اغلب با چاشنی فانتزی نوشته می‌شود. در واقع سوژه‌ها یا موضوع‌ها در موقعیتی دراماتیک در ذهن نویسنده جای می‌گیرد. طبیعی است که نویسنده می‌خواهد با زبان ویژه‌ی خودش این‌ها را تعریف و روایت کند و با شگره‌ادی نمایش‌نامه‌نویسی و نیز شگردهای خودش جان ببخشد. جذابیت‌بخشی و قصه‌مندبودن نمایش‌نامه در نمایش‌نامه‌نویسی کودک و نوجوان بیش‌تر مهم است. حال این‌که بین این‌ها تعادلی به وجود بیاید، برمی‌گردد به تسلط و مهارت نوشتن و توجه به خیال‌انگیزی و فانتزی‌های سوژه و داستانی که می‌خواهم در ذهن‌مان بازسازی و بازنامه‌ی کنیم. نمایش‌نامه‌نویس هر چه‌قدر در ذهنش، ایده‌ها و طرح‌هایش ورز دهد و بعد روی کاغذ یا صفحه‌ی ماینیور بنویسید و بازنویسی و بازنویسی کند، مسلمان به چنین تعادلی برای ایجاد ارتباط به‌تر با مخاطبش دست پیدا می‌کند و اثرش کم‌نقص‌تر می‌شود.

در آثاری مانند خواب تمساح و به پرنده‌گان شلیک نکنیم، نمادها و شخصیت‌های غیرانسانی نقش مهمی دارند. چرا این شیوه را برای ارتباط با مخاطب کودک و نوجوان انتخاب کرده‌اید؟ فکر می‌کنید این زبان چه تأثیری بر مخاطب می‌گذارد؟

اصولاً هنگامی که کودکان در داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها با شخصیت‌های غیر انسانی روبه‌رو می‌شوند، بیش‌تر جذب داستان و شخصیت‌های داستانی یا نمایشی می‌شوند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. هر چند که درجه و نوع ارتباط‌گیری ممکن است در بین مخاطبان کودک تفاوت داشته باشد. علاوه بر ارتباط‌گیری به‌تر

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر
کتاب «طبیعت مال همه است» نوشته قتیباد یزدانی به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.
«طبیعت مال همه است» عنوان این کتاب است که به‌قلم قتیباد یزدانی نوشته شده و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است. این اثر در اصل یک کتاب کار آموزشی برای

طرح نو؛ گروه فرهنگ و هنر
کتاب «طبیعت مال همه است» نوشته قتیباد یزدانی به همت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.

«طبیعت مال همه است» عنوان این کتاب است که

به‌قلم قتیباد یزدانی نوشته شده و کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است. این اثر در اصل یک کتاب کار آموزشی برای

طبیعت، یک موزه زنده و آینه‌ای است که کودک خود را در آن می‌یابد و جایگاه خود را در آن پیدا می‌کند و درمی‌یابد که خود نیز قسمتی از آن است. بیابیم کودکان‌مان را با طبیعت پیوندی دوباره دهیم و آن‌ها را به دامن مادر دیرین خود بازگردانیم.

کتاب «طبیعت مال همه است» نوشته قتیباد یزدانی و تصویرگری و طراحی گرافیک محمدعلی عدیلی در ۱۳۲ صفحه، با شمارگان ۹هزار نسخه از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

این کتاب با قیمت ۹۰هزار تومان و دیگر آثار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را می‌توان



طبیعت مال همه است

و مدارس، روش‌ها و گونه‌های فعالیت در طبیعت و معرفی عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش پرداخته است،

هم‌چنین آشنا کردن کودکان با قانون‌مندی‌های طبیعت از راه تجربه فصل‌ها، آرایه تجربه‌های مفید به بچه‌ها در کارگاه طبیعت با انجام آزمایش‌های گوناگون و این‌که کودکان یاد بگیرند چرا و چگونه باید از محیط زیست خود مراقبت کنند از جمله موضوع‌های این

راستگویی کودک در سایه امنیت روانی شکل می گیرد



طرح نو؛ گروه جامعه

دروغگویی در کودکان همیشه نشانه بدرفتاری یا مشکل شخصیتی نیست گاهی این رفتار پاسخی به ترس از تنبیه، نیاز به جلب توجه یا حتی بخشی از روند طبیعی رشد ذهنی کودک است. موضوعی که نقش خانواده در شکل گیری یا اصلاح آن را پررنگ‌تر می‌کند. راستگویی یکی از ارزش‌های بنیادین در تربیت کودک است اما بسیاری از والدین هنگام مواجهه با نخستین نشانه‌های دروغگویی، دچار نگرانی و سردرگمی می‌شوند. در حالی‌که متخصصان حوزه کودک معتقدند برای درک این رفتار، باید به سن، شرایط روانی و محیط رشد کودک توجه کرد.

در این خصوص با پردیس چلبی روانشناس کودک و نوجوان و روان‌درمانگر به گفت وگو پرداختیم. او با اشاره به اینکه دروغگویی همیشه به معنای بد بودن کودک نیست، اظهار کرد: بسیاری از کودکان برای فرار از تنبیه، ترس از ناراحت کردن والدین، جلب توجه یا حتی به دلیل خیال‌پردازی به دروغ متوسل می‌شوند. در برخی سنین نیز کودک هنوز مرز دقیق میان خیال و واقعیت را به طور کامل درک نکرده و ممکن است داستان‌سازی کند این رفتار لزوماً نشانه اختلال نیست.

ترس از سرزنش زمینه‌ساز پنهان‌کاری

به گفته این روان‌درمانگر، یکی از مهم‌ترین دلایل دروغگویی در کودکان، ترس از واکنش والدین است. زمانی که کودک احساس کند با بیان حقیقت مورد سرزنش، تحقیر یا تنبیه قرار می‌گیرد، ممکن است پنهان‌کاری را راهی برای محافظت از خود بداند. چلبی تأکید کرد: نوع برخورد والدین در زمان اشتباه کودک، تعیین‌کننده است. اگر واکنش‌ها همراه با خشم و برچسب‌زنی باشد، احتمال تکرار دروغ بیشتر می‌شود.

کودکان، بیش از شنیدن، می‌بینند

این روانشناس کودک و نوجوان با اشاره به نقش الگوبری در فرآیند یادگیری گفت: کودکان رفتار بزرگ‌ترها را به‌دقت مشاهده می‌کنند. اگر در محیط خانواده دروغ‌های کوچک، پنهان‌کاری یا ترساندن کودک رایج باشد، احتمال شکل‌گیری همین الگو در رفتار کودک افزایش می‌یابد. از این رو، والدین باید پیش از هر توصیه‌ای، خود الگوی صداقت باشند.

نقش خانواده و فضای پیرامونی

به گفته چلبی، محیط خانواده، اطرافیان، دوستان و حتی فضای مجازی می‌توانند در یادگیری رفتارهای مرتبط با صداقت یا دروغگویی تأثیرگذار باشند. کودکی که در فضایی همراه با اعتماد، احترام و آرامش رشد می‌کند، معمولاً امنیت بیشتری برای بیان حقیقت دارد. در مقابل، قرار گرفتن مداوم در معرض قضاوت، مقایسه یا فشار، می‌تواند او را به سمت پنهان‌کاری سوق دهد.

چگونه راستگویی را تقویت کنیم؟

این روان‌درمانگر راهکار اصلی را ایجاد فضای امن در خانه دانست و گفت: والدین باید شرایطی فراهم کنند که کودک بدون ترس بتواند اشتباه خود را بیان کند. واکنش آرام، گفت‌وگو درباره پیامدهای رفتار و پرهیز از تنبیه شدید، از مهم‌ترین عوامل تقویت صداقت در کودک است.

والدین شرایطی فراهم کنند تا کودک بدون ترس اشتباه خود را بیان کند

او همچنین توصیه کرد، از برچسب‌زدن به کودک با جملاتی مانند «تو دروغگویی» خودداری شود؛ چرا که چنین عباراتی می‌تواند هویت منفی در ذهن کودک شکل دهد. به جای آن، بهتر است درباره اهمیت اعتماد در روابط خانوادگی صحبت شود تا کودک به‌تدریج درک کند راستگویی زمینه‌ساز امنیت و آرامش است.

صداقت، محصول رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد

این کارشناس حوزه کودک بر این باور است که صداقت، بیش از آنکه با سختگیری و تنبیه آموزش داده شود، در بستر رابطه‌ای امن و مبتنی بر احترام شکل می‌گیرد. هنگامی که کودک احساس کند شنیده می‌شود و مورد پذیرش قرار دارد، احتمال انتخاب راستگویی نیز افزایش می‌یابد.

در نهایت، تربیت کودک راستگو نه با ترس، بلکه با ایجاد اعتماد، الگوبودن والدین و گفت‌وگو صمیمانه درباره پیامدهای رفتارها محقق می‌شود؛ رویکردی که می‌تواند پایه‌های ارتباط سالم و پایدار در خانواده را تقویت کند.

طرح نو؛ گروه گزارش

تعطیلات تابستانی فرارسیده، اما کودکان به جای بازی در کوچه‌ها در دنیای مجازی غرق شده‌اند.

به گزارش نصر، تابستان که از راه می‌رسید، کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر تبریز، از محلات قدیمی مانند ششگلان و خیابان بهار گرفته تا شهرک‌های جدیدتر مثل باغ‌میشه و یاغچیان، پر می‌شد از هیاهوی کودکانی که با توپ‌های پلاستیکی دو لایه، دوچرخه‌های رنگارنگ و بازی‌های محلی، روزهای بلند تیر و مرداد را به شب گره می‌زدند. صدای خنده، فریادهای هیجان‌انگیز، دویدهای بی‌وقفه و حتی دعوای کودکانی سر کوچه، موسیقی متن تابستان‌های نه چندان دور بود. پارک‌هایی مانند ائل‌گلی مملو از خانواده‌هایی بود که عصرگاهان برای فرار از گرمای تابستان به سایه‌سار درختان پناه می‌بردند و کودکانشان در فضاهای باز به بازی و جست‌وخیز می‌پرداختند.

اما امروز با قدم زدن در محلات تبریز، سکوتی سنگین و تامل‌برانگیز جای آن شور و نشاط را گرفته است. کودکان و نوجوانان امروز دیگر تمایلی به فتح کوچه‌ها ندارند. آن‌ها در اتاق‌های تاریک و خنک آپارتمان‌ها، روی مبل‌ها یا تخت‌خواب‌ها کز کرده‌اند و تمام دنیایشان در یک صفحه نمایشگر چند اینچی خلاصه شده است. گوشی‌های تلفن همراه هوشمند، تبلت‌ها و کنسول‌های بازی، به همبازی‌های بی‌رقیب نسل جدید تبدیل شده‌اند؛ همبازی‌هایی که نه خسته می‌شوند، نه قهر می‌کنند و نه اجازه می‌دهند کودک لحظه‌ای از آن‌ها چشم بردارد.

بسیاری از والدین با این تصور که فرزندشان در خانه و جلوی چشمشان است، احساس امنیت می‌کنند. آن‌ها سکوت خانه را به حساب آرامش می‌گذارند، غافل از اینکه در پس این سکوت، طرفانی از آسیب‌های پنهان فیزیکی و روانی در حال شکل‌گیری است. این آرامش ظاهری، در واقع بهای سنگینی است که برای الزوای خودخواسته‌ی کودکان پرداخته می‌شود؛ انزوایی که با دوپایم حاصل از لایک‌ها، پیام‌ها و پیروزی در بازی‌های مجازی تغذیه می‌شود و هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد.

داده‌کاوی و تحلیل آماری: فاجعه‌ای در قالب اعداد

بررسی‌های میدانی و داده‌های غیررسمی نشان می‌دهد که میانگین زمان استفاده از صفحات نمایش در بین کودکان و نوجوانان تبریزی در فصل تابستان به شدت افزایش یافته است. اگر در دوران مدرسه این میزان به دلیل تکالیف و حضور در کلاس به دو الی سه ساعت در روز محدود می‌شد، در ایام تعطیلات این رقم به طرز نگران‌کننده‌ای به ۶ تا ۸ ساعت و در برخی موارد حتی به بیش از ۱۰ ساعت در شبانه‌روز می‌رسد. این یعنی کودک بیش از نیمی از زمان بیداری خود را خیره به یک صفحه نوری می‌گذراند.

وقتی این آمار را در کنار داده‌های مربوط به سرانه فضاهای ورزشی و تفریحی محله‌محور قرار می‌دهیم، معادله روشن‌تر می‌شود. توسعه نامتوازن شهری، تبدیل خانه‌های حیاط‌دار به آپارتمان‌های متراکم و کمبود زیرساخت‌های تفریحی رایگان یا ارزان‌قیمت در بسیاری از مناطق حاشیه‌ای و متوسط تبریز، گزینه‌های تفریحی فیزیکی را برای خانواده‌ها به شدت محدود کرده است. هزینه‌های بالای کلاس‌های آموزشی، ورزشی و هنری نیز در شرایط اقتصادی فعلی، باعث شده تا بسیاری از خانواده‌ها نتوانند اوقات فراغت فرزندان خود را با برنامه‌های ساختاریافته پر کنند. در نتیجه، گوشی موبایل به ارزان‌ترین و دسترس‌ترین ابزار سرگرمی تبدیل شده است.

آسیب‌های فیزیکی: از ابیدمی چاقی تا ناهنجاری‌های اسکلتی

تبعات فیزیکی این سبک زندگی بی‌تحرك، زنگ خطر بزرگی است که نظام سلامت عمومی را تهدید می‌کند. نشستن‌های طولانی‌مدت در حالت‌های غیراستاندارد، در حالی که سر به سمت پایین خم شده و فشار مضافی به مهره‌های گردن وارد می‌کند، باعث بروز زودهنگام دردهای مفصلی در سنین کودکی شده است.

پزشکان ارتوپد از افزایش مراجعه کودکانی خبر می‌دهند که دچار ناهنجاری‌های اسکلتی مانند افتادگی شانه، گودی کمر بیش از حد و آسیب‌های جدی به ستون فقرات هستند. علاوه بر این، کاهش شدید تحرک بدنی به ابیدمی چاقی مفرط در میان نسل جدید دامن زده است. چاقی کودکی، پیش‌زمینه‌ای برای بیماری‌های متابولیک مانند دیابت نوع ۲، فشار خون و مشکلات قلبی و عروقی در بزرگسالی است.

از سوی دیگر، چشم‌های خیره به صفحات درخشان

و تابش مداوم نور آبی باعث اختلال در ترشح هورمون ملاتونین و در نتیجه به هم خوردن ریتم خواب و بیداری (سیرکادین) می‌شود. مشکلاتی نظیر خشکی چشم، سوزش، تاری دید و پیشرفت سریع نزدیک‌بینی (میوپی) از دیگر ارمغان‌های این زندگی دیجیتال بی‌وقفه است.

آسیب‌های روانی و اجتماعی: نسلی در محاصره انزوا

آسیب‌های فیزیکی تنها نیمی از ماجراست؛ آسیب‌های روانی و اجتماعی به مراتب عمیق‌تر، ماندگارتر و مخرب‌ترند. کودکی که مهارت‌های ارتباطی را در کوچه، مدرسه و در تعامل واقعی با همسالان خود یاد نمی‌گیرد، در آینده برای حل تعارضات، کار گروهی، همدلی و ابراز صحیح احساسات دچار چالش‌های اساسی خواهد شد. آن‌ها یاد گرفته‌اند خشم، شادی، غم و تعجب خود را با یک ایموجی یا استیکر نشان دهند و در دنیای واقعی، اغلب منزوی، کم‌حرف، خجالتی و فاقد اعتماد به نفس لازم برای مواجهه با مشکلات هستند.

پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی با الگوریتم‌های پیچیده و هوش مصنوعی قدرتمند خود، زمان و تمرکز نوجوانان را می‌بلعند. بازی‌های آنلاین موبایلی با گرافیک‌های خیره‌کننده، سیستم‌های پاداش‌دهی متوالی و رقابت‌های بی‌نهایت، چنان اعتیادی ایجاد می‌کنند که جدا کردن کودک از گوشی، اغلب با پرخاشگری شدید، گریه، لجبازی و تنش‌های فرساینده خانوادگی همراه می‌شود.

مرز بین سرگرمی و اعتیاد بسیار باریک است. وقتی کودک صبح از خواب بیدار می‌شود و پیش از شستن دست و رو سراغ گوشی می‌رود، وقتی از غذا خوردن در کنار خانواده امتناع می‌کند تا به بازی‌اش برسد، وقتی خواب شبانه‌اش مختل می‌شود و وقتی در غیاب اینترنت یا تمام شدن شارژ باتری دچار اضطراب، بی‌قراری و حتی تپش قلب می‌شود، یعنی مرزهای سرگرمی شکسته شده و بحران اعتیاد تمام‌عیار آغاز شده است.

برای بررسی دقیق‌تر این پدیده، ریشه‌یابی روانشناختی آن و یافتن راهکارهای عملی برای مدیریت اوقات فراغت نسل جدید، به سراغ‌یللا اهرامی، یکی از روانشناسان و درمانگران در تبریز رفتیم.

اعتیاد دیجیتال؛ گریبان گیر جامعه

اهرامی در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم، با اشاره به افزایش چشمگیر مراجعات خانواده‌های متناصل در فصل تابستان می‌گوید: با تعطیلی مدارس، آن ساختار منظم روزمره و اجبار به بیداری و خواب در ساعات مشخص از بین می‌رود. در صورت فقدان برنامه‌ریزی جایگزین از سوی خانواده و جامعه، فضای مجازی و گوشی‌های هوشمند مانند یک سیلاب به راحتی این خلاء زمانی را پر می‌کنند. ما امروز با پدیده‌ای بالینی به نام اعتیاد دیجیتال روبرو هستیم که مکانیزم اثربخشی آن در مغز و علائم ترک آن، شباهت بسیار زیادی به اعتیادهای سنتی به مواد مخدر دارد.

وی در تعریف علمی این نوع اعتیاد توضیح می‌دهد: در روانشناسی، معیار ما برای تشخیص مشکل، فقط مدت زمان استفاده نیست، بلکه شاخص اصلی، میزان اختلال در عملکرد است. وقتی استفاده از پیام‌رسان‌ها، تماشای ویدیوهای کوتاه یا بازی‌های موبایلی باعث افت کیفیت خواب، کاهش تمرات و یادگیری، کناره‌گیری از تعاملات خانوادگی، پرخاشگری‌های بی‌دلیل و بی‌علاقگی به فعالیت‌هایی شود که کودک قبلاً از آن‌ها لذت می‌برد، ما با یک

وابستگی بیمارگونه و یک اختلال رفتاری مواجهیم.

مکانیسم دوپامین و مغز بی‌دفاع کودکان

این روانشناس با اشاره به سیستم پاداش مغز و انتقال‌دهنده‌های عصبی می‌افزاید: بازی‌های موبایلی و شبکه‌های اجتماعی توسط تیمی از بهترین روانشناسان و مهندسان کامپیوتر دقیقاً بر اساس تحریک ترشح دوپامین طراحی شده‌اند. دوپامین هورمون پاداش و لذت است. هر پیام جدید، هر لایک، هر رنگ درخشان و هر مرحله‌ای که در بازی با موفقیت طی می‌شود، پاداش‌های کوچک اما مداومی به مغز می‌دهد. مغز کودک به این تزریق مداوم دوپامین عادت می‌کند و برای رسیدن به همان سطح از لذت، نیازمند زمان بیشتری پای صفحه نمایش است. از آنجا که قشر پیش‌پیشانی مغز که مسئول کنترل تکانه، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری منطقی است، در کودکان و نوجوانان هنوز به طور کامل رشد نکرده است، آن‌ها در برابر این هجوم دوپامینی کاملاً بی‌دفاع هستند و قدرت خودکنترلی ندارند.

والدین؛ مقصران خاموش

اهرامی نقش والدین را در شکل‌گیری این بحران بسیار پررنگ و غیرقابل انکار می‌داند و تصریح می‌کند: متأسفانه بسیاری از والدین در سال‌های اخیر، از گوشی هوشمند به عنوان پستتاک دیجیتال یا پرستار بچه‌استفاده می‌کنند. وقتی مادر در حال آشپزی است یا پدر می‌خواهد اخبار ببیند، برای اینکه کودک ساکت بماند و مزاحمتی ایجاد نکند، راحت‌ترین راه را انتخاب می‌کنند و گوشی را در اختیار او قرار می‌دهند. این سهل‌انگاری و راحتی کوتاه‌مدت در سنین خردسالی، بذر اعتیاد ویرانگری را می‌کارد که در دوران نوجوانی درو خواهد شد.

تأثیرات شناختی و پدیده نقص توجه

وی درباره تأثیرات مخرب شناختی این پدیده هشدار می‌دهد: مغزی که به دریافت اطلاعات سریع، کات‌های مداوم، تصاویر متحرک پرزرق‌وبرق و محرک‌های شدید دیداری و شنیداری در کسری از ثانیه عادت کرده است، دیگر نمی‌تواند روی یک محرک کند تمرکز کند. وقتی چنین کودکی پای کتاب داستان می‌نشیند یا می‌خواهد یک مهارت دستنی یاد بگیرد، مغزش خیلی زود خسته می‌شود چون سطح دوپامین افت می‌کند. ما اکنون شاهد افزایش شدید علائمی شبیه به اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی (ADHD) در کودکانی هستیم که استفاده افراطی از موبایل دارند؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را نقص توجه القا شده توسط محیط نامید.

این درمانگر در پاسخ به سوال خبرنگار تسنیم درباره وضعیت خاص نوجوانان می‌گوید: نوجوانان در سنین بلوغ به دلیل مواجهه با بحران هویت، نیاز شدید به تایید همسالان و حس تعلق به گروه دارند. آن‌ها این نیازها را در شبکه‌های اجتماعی جستجو می‌کنند. اما مشکل اینجاست که آن‌ها زندگی واقعی، روزمره و پر از نقص خود را با ویتترین فیلترشده، دستچین‌شده و بی‌نقص زندگی دیگران در فضای مجازی مقایسه می‌کنند. خروجی این مقایسه نابرابر، احساس حقارت، افسردگی، اضطراب اجتماعی، نارضایتی از ظاهر و کاهش شدید عزت نفس است.

راهکارهای عملی برای نجات تابستان

اهرامی در خصوص راهکارهای عملی و قابل اجرا برای روزهای تابستان پیشنهاد می‌دهد: اولین قدم، سم‌زدایی دیجیتال است. اما نباید گوشی را



به طور ناگهانی و با دعوا حذف کرد، زیرا باعث واکنش‌های شدید عصبی می‌شود. بلکه باید زمان استفاده را به صورت توافقی، قانونمند و محدود کرد. خانواده‌ها باید برای روزهای تابستان ساختار ایجاد کنند. ثبت‌نام در کلاس‌های ورزشی، هنری، اردوهای گروهی و حتی دادن مسئولیت‌های کوچک در خانه (مانند کمک در خرید یا آشپزی) می‌تواند جایگزین‌های مناسبی برای پر کردن زمان باشد.

وی تأکید می‌کند: ورزش‌های فیزیکی به ویژه ورزش‌های گروهی مانند فوتبال، والیبال یا بسکتبال، قوی‌ترین پادزهر اعتیاد به فضای مجازی هستند. تحرک بدنی باعث ترشح هورمون‌هایی مانند اندورفین و سروتونین می‌شود که شادی، آرامش و رضایت بسیار پایدارتر و عمیق‌تری نسبت به دوپامین زودگذر فضای مجازی ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، حضور در یک تیم ورزشی، مهارت‌های ارتباطی، تاب‌آوری در برابر شکست و کار تیمی کودک را در دنیای واقعی تقویت می‌کند.

این روانشناس ضرورت ایجاد فیزیکی مناطق بدون تکنولوژی در محیط خانه را یادآور شده و می‌گوید: باید قوانینی شفاف و غیرقابل نقض در خانه وضع شود؛ مثلاً سر میز غذا، در دوره‌های خانوادگی، یا حداقل یک تا دو ساعت قبل از خواب، استفاده از موبایل، تبلت و حتی تلویزیون برای همه اعضای خانواده ممنوع باشد. این قوانین نه تنها به مغز کودک فرصت استراحت و ترشح ملاتونین برای خوابی آرام را می‌دهد، بلکه فضای گفت‌وگو را در خانواده باز می‌کند.

اهرامی در پایان مصاحبه، نوک پیکان انتقاد را مجدداً به سمت والدین گرفته و خاطرنشان می‌کند: ما نمی‌توانیم از کودک بخواهیم کتاب بخواند، نقاشی بکشد یا در حیاط بازی کند، در حالی که خودمان به عنوان مهم‌ترین الگوی او، مدام روی مبل افتاده‌ایم و در حال اسکرول کردن در شبکه‌های اجتماعی هستیم. بچه‌ها به حرف ما گوش نمی‌دهند، بلکه رفتار ما را تقلید می‌کنند. اصلاح رفتار کودک دقیقاً از اصلاح رفتار والدین شروع می‌شود. پدر و مادرها باید در تابستان وقت بیشتری برای بازی‌های رومیزی، قدم زدن در پارک و گفت‌وگوی چهره به چهره با فرزندانشان اختصاص دهند.

تابستان گرم و طولانی، در ذات خود یک فرصت طلایی است؛ فرصتی برای رشد همه‌جانبه، کشف استعدادهای نهفته، مهارت‌آموزی، دوست‌یابی و ساختن شیرین‌ترین خاطرات کودکی که تا پایان عمر در ذهن باقی می‌مانند. تابستان نباید به دورانی برای حبس شدن در قفس نامرئی صفر و یک‌ها و تبدیل شدن به مصرف‌کنندگان منفعل محتوای مجازی تقلیل یابد.

رهایی نسل جدید تبریز از چنگال اعتیاد به تلفن همراه و بازی‌های مجازی، نیازمند یک اراده جمعی و هم‌افزایی چندجانبه است. این مسیر از درون خانه‌ها و با تغییر سبک زندگی والدین و برنامه‌ریزی صحیح آغاز می‌شود، در مدارس و با آموزش سواد رسانه‌ای تدام می‌یابد و با حمایت نهادهای شهری و ایجاد فضاهای تفریحی، ورزشی و آموزشی ارزان، ایمن و در دسترس تکمیل می‌گردد.

زمان آن فرا رسیده است که زنگ خطر را جدی بگیریم. تنها با اقدام عملی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بازسازی زیرساخت‌های تفریحی محلات است که می‌توانیم هیاهوی شادمانه، دویدها و زندگی را دوباره به کوچه‌های این کلان‌شهر بازگردانیم و نسل آینده را از تاریکی انزوای دیجیتال نجات دهیم. تابستان باید دوباره فصل رهایی باشد، نه فصل اسارت در قاب‌های شیشه‌ای.

تپه‌های تاریخی آذربایجان غربی گنجینه‌ای پایان ناپذیر از تمدن هزاران ساله

شرقی روستا قرار گرفته و مساحت تقریبی آن حدود ۲ هکتار است.

در پی کاوش های سالیان دور انجام شده توسط باستان شناسان ایرانی و اتریشی در این تپه، سفال های رسی و بقایای خانه های مسکونی در آن کشف شده که طبق تخمین متخصصان، قدمت این آثار به هزاره یکم قبل از میلاد می رسد.

به گفته برخی از تاریخ دانان، تپه کردلر نخستین منطقه در حاشیه دریاچه ارومیه بوده که شهرنشینی از آن آغاز شده است.

باش قلعه، تپه تاریخی به یادگار مانده از دوران اوراتو

این تپه تاریخی با قدمتی بیش از ۲ هزار سال در شرق ارومیه و حاشیه نگین آبی آذربایجان قرار دارد. باش قلعه، باش قالا یا بخش قلعه، تپهای تاریخی در دامن دشتی سرسبز و زیبا در جاده شهید کلاتتری نزدیکی شهرک صنعتی فاز یک ارومیه قرن هاست که چشم هر مسافر و رهگدزی را خیره کرده و به خود جلب می‌کند؛ این قلعه در بین مزارع سرسبز به شکل کوهی دیده می شود.

تپه تاریخی باش قلعه

باستان شناس میراث فرهنگی و گردشگری آذربایجان غربی قدمت این قلعه تاریخی را ۲ هزار و ۷۰۰ سال عنوان می کند و می گوید: این قلعه به هزاره اول قبل از میلاد باز می گردد و مربوط به دوره «اورارتویی ها» است.

بهروز خان محمدی در این باره افزود: «باش قلعه» در گذشته قلعه ای نظامی برای نگهدیانی و حراست از منطقه بود چنان که نگهبانان و سربازهایی برای حفاظت نیز داشت.

وی بیان کرد: پلان های به جا مانده در این محل روایتگر نظامی بودن این قلعه است و این قلعه تاریخی قبل از انقلاب شاهد حضور هیات های آلمانی و ایتالیایی بوده است.

آذربایجان غربی بیش از یک هزار و ۸۰۰ اثراتاریخی ثبت ملی و جهانی شده دارد که از این میان تخت سلیمان تکاب، قره کلیسای چالدران، آیین مذهبی قره کلیسای چالدران، کلیسای زور زور ماکو و کاروانسرای شاه عباسی خوی در فهرست جهانی یونسکو قرار گرفته است. / ایرنا

دره ای به همین نام واقع بوده و ابعاد تپه ۴۵۵ متر در جهت شمال به جنوب و ۶۰۰ متر در جهت غرب به شرق و ارتفاع آن ۲۴.۵ متر است.

یکی از آثار به دست آمده از این تپه صفحه مغرغی منقش به تصویر «گیلگمش» پهلوان حماسی بابل بوده که در آن نقش گیلگمش میان دایره ای ۲ گاو وحشی را در دست گرفته و آنها را بلند کرده است؛ این اثر ارزشمند تاریخی به سده هشتم قبل از میلاد تعلق دارد. اثر دیگر مهری استوانه ای شکل است که در عمق هشت متری پیدا شده و نقش مایه هایی از خدایان بابل را بر خود دارد و احتمالاً متعلق به حدود ۲ هزار قبل از میلاد است این اثر تاریخی در موزه هنرهای زیبای «متروپولیتن نیویورک» نگهداری می شود.

در حفاری علمی این تپه، هفت طبقه را که به ترتیب از پایین به بالا نامگذاری شده مشخص کرده اند.

طبقه زیرین آن مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد بوده و آثاری از هزاره های سوم، دوم و اول قبل از میلاد نیز در این تپه قابل مشاهده است.

این تپه در روستای گوگ تپه یا گوی تپه ارومیه واقع شده است.

روستای گوک تپه به دلیل موقعیت جغرافیایی و همجواری با تپه باستانی، می تواند تبدیل به یک پارک اثر تاریخی شود و در ایام مختلف سال پذیرای مسافران و گردشگران شود.

تپه کردلر، ظرفیت مغفول گردشگری آذربایجان غربی

تپه باستانی کردلر، یکی دیگر از تپه های باستانی ارومیه محسوب می شود که در ۲۵ کیلومتری شرق این شهر و در مجاورت روستای کردلر قرار گرفته است؛ فاصله تپه از جاده ارومیه به دریا حدود یک کیلومتر تخمین زده می شود.

بقایای آثار تاریخی تپه کردلر بر روی تپه مرتفعی که در غرب روستا قرار گرفته، واقع است و در اثر عملیات حفاری باستان شناسان مقداری از بقایای آثار معماری مدفون از زیر خاک های آن بیرون آورده شده است.

قدمت این بقایا مربوط به هزاره اول تا چهارم قبل از میلاد بوده و نوع مصالح بکار رفته در ساختمان این تپه نیز بیشتر دیوار چینه ای و از خشت خام بوده که با گذشت زمان آسیب دیده و به صورت مخروبه درآمده است.

شکل تپه کردلر به صورت بیضی بوده و در قسمت



موضوعات انسانی، هندسی و گیاهی کشف شده است.

تپه حاجی فیروز، نشان قدمت سلدوز

تپه حاجی فیروز در بخش شرقی دره سلدوز و در ۲ کیلومتری جنوب شرقی تپه حسنلو در نقطه قرار دارد و حفاری های این تپه ۱۶ لایه استقرار و ۱۱ مرحله ساختمان سازی را مشخص کرده است.

بر اساس یافته های این حفاری ها ساختمان های هزاره ششم قبل از میلاد در حاجی فیروز به صورت واحدهایی مستقل از یکدیگر بنا شده بودند که هر یک دارای اتاق های نشیمن، محل آماده سازی غذا و پخت و پز، انبارک های غذا و آذوقه و خمره های ذخیره بوده است.

اجساد کودکان را هم در زیر کف این قسمت دفن می کرده اند و دیوارها را اغلب از چینه و در بعضی موارد از خشت هایی که بدون قالب بود می ساختند.

سطوح دیوارها را گاهی با مخلوطی از کاه گل و گچ اندود کرده بودند و روی قسمتی از دیوار یکی از منازل اثر رنگ قرمز مشاهده شد و کف بعضی از اتاق های نشیمن هم با محلول گل آجری قرمز شده است.

سفال های منقوش حاجی فیروز را می توان یکی از عناصر فرهنگی مشخصه دوره حاجی فیروز محسوب کرد.

گوک تپه، یادآور رشادت های مردم ایران زمین

گوک تپه در ۶ کیلومتری جنوب شرق ارومیه و در



داستانی حماسی را روایت کرده است.

تپه باستانی حسنلو در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی دریاچه ارومیه و ۹ کیلومتری شمال شرق نقطه بین دهکده های امین لو و حسنلو قرار دارد و از سال ۱۳۳۴ که کاوش در این منطقه شروع شده، حدود هفت هزار و ۵۰۰ اثر باستانی از جنس مغرغ، استخوانی و سفال در آن کشف شده است.

تالارهای بزرگ و ستون دار، ایوان‌های دراز و اتاق‌های کوچک و بزرگ و آثار سنگی که در این بنا قابل رویت بوده، بقایای معماری مربوط به دوره های چهارم و پنجم است که حدود سه هزار سال قدمت دارد.

این مجموعه تاریخی از سال ۱۳۸۲ شمسی جهت انجام مطالعات علمی و فنی تبدیل به پایگاه ملی شده است.

تپه باستانی قلاچی، یادآور حکومت ماناها

تپه قلاچی در روستای قلاچی و ۱۲ کیلومتری شمال شرقی شهر بوکان قرار دارد و برای نخستین بار در سال ۱۳۶۳ کاوش های باستان شناسی در این تپه صورت گرفت و آثاری از هزاره اول قبل از میلاد در آن نمایان شد.

تپه قلاچی بزرگترین اثر مانایی منطقه و پایتخت ماناها معروف به «ایزرتو» بوده است.

از این تپه علاوه بر معبد مرکزی، برج ها و دیوارهای مربوط به آن، حیاط سنگ فرش، پله هایی که به این حیاط متصل می شود، اتاق ها و آجرهای منقوش دارای

طرح نو؛ گروه گزارش

تپه‌های تاریخی آذربایجان غربی تبلور شکوه و زیبایی و مهمتر از همه گنجینه‌ای پایان ناپذیر از تمدن هزاران ساله این دیار است این تپه‌ها هرکدام راوی تاریخ قطور این استان و دارای جاذبه های منحصر بفردی هستند که هر گردشگر و مسافری را محو تماشای خود و مطالعه در تاریخ خود می‌کنند.

تپه های تاریخی آذربایجان غربی روایتگر تاریخ پر فراز و نشیب این دیار بوده و هرکدام رازهای بی شماری در خود جای داده و چه بسا آثار به دست آمده از آنها طی کاوش های باستان شناسی باستان شناسان جهان را متحیر کرده است.

این آثار تاریخی بی بدیل هرکدام کتاب قطوری هستند که هنوز بسیاری از آنها دست نخورده و به عبارتی نخوانده باقی مانده اند که با ورق زدن برگ هایی از این کتاب های قطور، می توان به رازهای زیبایی پی برد.

به عبارتی تپه های تاریخی آذربایجان غربی گنجینه ایی پایان ناپذیر از داشته های ارزشمند این استان و ایران زمین هستند که هر گردشگر و مسافری را به تامل وا داشته و با تاریخ این سرزمین پیوند داده و از وقایع روی داده در این دیار برای او سخن می گوید.

از جمله تپه های تاریخی این استان می توان به تپه‌های «حاجی فیروز»، «دالما»، «اهرنجان»، «گوک تپه»، «قلاچی»، «پیزدلی»، «، کردلر»، «باش قلعه» و تپه حسنلو» اشاره کرد.

تپه تاریخی حسنلو، یادگار هشت هزار ساله از سکونت بشری

«تپه باستانی حسنلو» در نقطه از شهرت جهانی برخوردار است و باستانشناسان ایرانی و خارجی قدمت اینیه موجود در این تپه را حدود ۸۰۰ تا هزار و ۴۰۰ سال قبل از میلاد تخمین زده اند.

مهمترین اثر مکشوفه تپه باستانی حسنلو که اهمیت ویژه ای در باستانشناسی دارد «جام طلایی حسنلو» است وزن این جام ۹۵۰ گرم، بلندای آن ۲۱، قطر آن ۲۵ و محیط لبه آن ۶۱ سانتیمتر است و در موزه ایران باستان در تهران نگهداری می شود.

قدمت جام طلایی کشف شده از تپه حسنلو در حدود ۲ هزار و ۸۰۰ سال برآورد شده زیرا این جام طبق نظر کارشناسان ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ساخته شده و بر روی بدنه آن نقش های بسیاری حک شده و احتمالا

طرح نو؛ گروه خبر

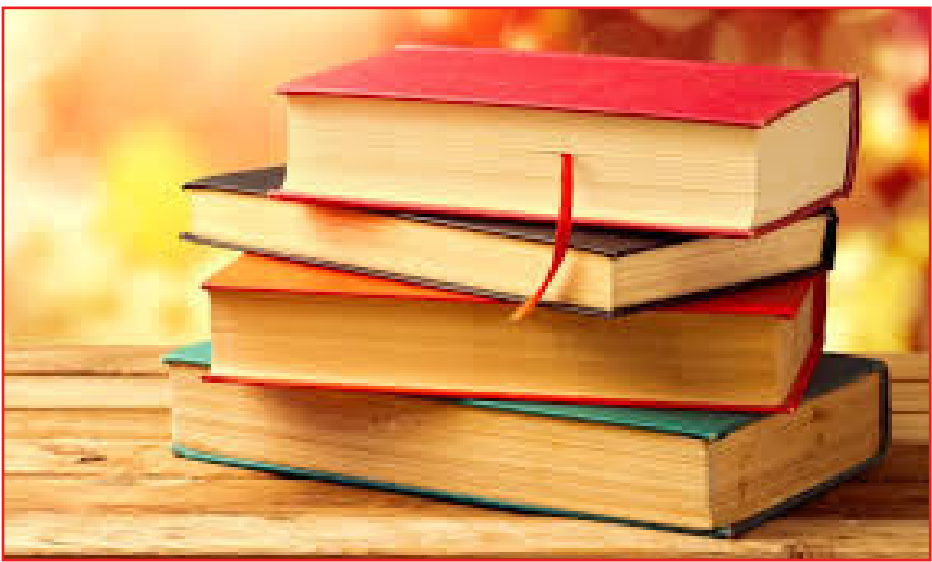
مدیرکل کتابخانه‌های عمومی آذربایجان‌غربی از اجرای پویش «تامین کتاب رمان» برای ۱۰ کتابخانه عمومی پرمخاطب استان خبر داد و گفت: مردم نیکوکار می‌توانند با مشارکت در این طرح، به غنی‌سازی منابع کتابخانه‌ها کمک کنند.

خدیجه معصومی با اشاره به اهمیت توسعه منابع کتابخانه‌ای افزود: کتابخانه محل رشد ذهن، شگوفایی خلاقیت و آشنایی با جهان‌های تازه است و غنی‌سازی مجموعه کتابخانه‌های عمومی، زمینه دسترسی بیشتر مردم به دانش و هنر را فراهم می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: هر کتاب گنجینه‌ای از تجربه‌ها، داستان‌ها و اندیشه‌هاست و تهیه هر جلد کتاب برای کتابخانه‌های عمومی، گامی در مسیر گسترش دانایی و ساخت آینده‌ای آگاهانه‌تر برای جامعه به شمار می‌رود.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان:

پویش تامین کتاب رمان در ۱۰ کتابخانه عمومی آذربایجان غربی آغاز شد



مدیرعامل شرکت توزیع برق استان:

۵۲۰۰ مورد سرقت برق در آذربایجان غربی شناسایی شد

ادامه داد: همچنین با تعیین تکلیف انشعاب‌های غیرمجاز و پاسخگویی به متقاضیان، زمینه برق‌دار شدن ۱۲ هزار و ۲۵۳ مشترک جدید فراهم شده که بخش عمده این تعداد، حاصل ساماندهی اشتراک‌های غیرمجاز و واگذاری انشعاب قانونی به متقاضیان بوده است. کیامهر با اشاره به اقدامات فنی انجام‌شده در قالب طرح مهتاب گفت: از ابتدای اجرای طرح ملی مهتاب تا کنون، ۳۳۱ کیلو متر شبکه سیم مسی به کابل خودنگهدار تبدیل شده که این اقدام علاوه بر کاهش تلفات، افزایش ایمنی شبکه، کاهش سرقت تجهیزات و ارتقای پایداری برق‌رسانی را به دنبال داشته است.

وی از تداوم نظارت بر مصرف برق در بخش کشاورزی

پایداری شبکه و تأمین برق مطمئن برای مشترکان از جمله این اقدامات بوده‌است .

کیامهر با بیان اینکه طرح ملی مهتاب با رویکرد صیانت از حقوق مشترکان قانون‌مدار و افزایش بهره‌وری شبکه برق در سراسر استان با جدیت در حال اجراست، اظهار کرد: از ابتدای اجرای این طرح تاکنون، ۹ هزار کتتور معیوب که به دلیل خرابی یا دستکاری، انرژی مصرفی را به‌درستی ثبت نمی‌کردند، شناسایی و با کنتورهای سالم جایگزین شده‌اند که این اقدام نقش مؤثری در افزایش دقت اندازه‌گیری، کاهش تلفات و برقراری عدالت در توزیع برق داشته است.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق آذربایجان‌غربی

خبر

۱/۵ میلیارد دلار کالا از

گمرکات آذربایجان غربی

صادر شد

طرح نو؛ گروه خبر

ناظر گمرکات آذربایجان غربی گفت: از اول سال جاری تاکنون به ارزش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کالا از مرزهای استان به کشورهای هدف صادر شده است.

خلالد جنگجو در این زمینه اظهار کرد: طی سال جاری به میزان یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن کالای صادراتی به ارزش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از مبادی رسمی و گمرکات استان صادر شده است. وی گفت: در این مدت به ارزش ۲۲۵ میلیون دلار کالای وارداتی داشتیم و حدود ۳۵ میلیون دلار کالای وارداتی از محل پله وری و ۱۳۵ میلیون دلار از محل کوله بری به کشور واردات انجام شده است.

ناظر گمرکات آذربایجان غربی در خصوص توقف کامیون‌ها در مرز بازرگان و مرز پلدشت گفت: با توجه به نشست اخیر ظرفیت پذیرش در گمرک بازرگان در ۱۸۰ دستگاه در روز به ۳۰۰ دستگاه در روز افزایش یافته است و این مشکل تا حدودی رفع شده است.

وی در خصوص گمرک شهرستان پلدشت گفت: از اول سال جاری تاکنون به میزان ۷۳ هزار تن و به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار کالای صادراتی از طریق مرز پلدشت صادر و همچنین در این مدت به میزان ۱۲۶ هزار تن کالا به مقصد کشورهای آسیایی و اروپایی ترانزیت شده است.

جنگجو خاطر نشان کرد: این میزان صادرات و ترانزیت بترتیب نسبت به مدت زمان مشابه سال گذشته ۱۰۰ درصد و ۱۳ درصد افزایش داشته است.

مرز پلدشت چهارمین گذرگاه ارتباطی کشورمان با جمهوری آذربایجان است که سالانه بیش از ۶۰ هزار کامیون ایرانی از طریق مرز صنم بلاغی در استان آذربایجان غربی و مرز جلفا در استان آذربایجان شرقی به کشور وارد و کالاهای صادراتی و ترانزیتی را به کشورهای هدف صادر و ترانزیت می‌کنند.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کیود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۳۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴

لینتوگرافی و چاپ: پرنیان

گزارش

تشریح عملکرد معاونت فنی و عمرانی شهرداری تبریز

طرح نو؛ گروه شهری

معاون فنی و عمرانی شهرداری تبریز با حضو در برنامه تلویزیونی تبریزیم ضمن تشریح اقدامات راهبردی این معاونت، بر تداوم فعالیت‌های عمرانی در تمامی مناطق دهگانه با هدف افزایش رفاه عمومی و کاهش ترافیک تأکید کرد.

مهدی نیکبخت با بیان اینکه رویکرد اصلی این معاونت در حوزه آسفالت، اولویت‌بندی بر اساس نیازسنجی دقیق فنی و مطالبات شهروندان است، اظهار داشت که در دوره ششم مدیریت شهری، مجموعاً ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تن آسفالت در سطح شهر توزیع شده که نشان‌دهنده تلاشی مضاعف برای بهبود وضعیت معابر است.

نیکبخت با تأکید بر اینکه کیفیت آسفالت از کمیت آن حائز اهمیت‌تر است، خاطر‌نشان کرد که بخش عمده‌ای از آسفالت مورد نیاز در کارخانه‌های سازمان عمران شهرداری تولید می‌شود و تمامی فرآیند تولید و اجرا تحت نظارت مستقیم ناظران فنی قرار دارد تا بالاترین استانداردها رعایت شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، به تحول در پروژه‌های تقاطع‌های غیرهمسطح اشاره کرد و افزود که بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین و قطعات پیش‌ساخته، علاوه بر تسریع چشمگیر در زمان اجرا، موجب کاهش بار ترافیکی در حین انجام پروژه‌ها شده است.

وی با برشمردن پروژه‌های شاخصی همچون تقاطع شهدای قراملک و تقاطع شهدای قره‌داغ (ورودی شرق تبریز)، اعلام کرد که پروژه شهدای قره داغ با استفاده از تکنولوژی سگمنتال مراحل نهایی خود را طی می‌کند و در ماه آینده به بهره‌برداری خواهد رسید.

مهدی نیکبخت همچنین، در خصوص پل سردار خرم وعده داد که باند جنوبی این پروژه در ماه آینده افتتاح شده و باند شمالی نیز با پیشرفت

گزارش

طرح نو؛ گروه شهری

بهسازی و روکش آسفالت آزادراه تبریز – زنجان به عنوان شاهراه ارتباطی شمالغرب کشور به طول ۲۹۰ کیلومتر زیر ذره بین نمایندگان مجلس شورای اسلامی، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای و مدیران ارشد استان آذربایجان شرقی قرار گرفت.

بر اساس صورتجلسه تنظیمی بین مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، مقرر شده تا پایان شهریور ماه امسال حدود ۲۹۰ کیلومتر از آزادراه تبریز – زنجان در مسیر رفت و برگشت بهسازی و آسفالت شود.

به همین منظور امروز نایب رییس مجلس شورای اسلامی به همراه جمعی از نمایندگان آذربایجان شرقی در مجلس شورای اسلامی، استاندار آذربایجان شرقی و رییس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای و جمعی از مسوولان اجرایی و اصحاب رسانه استان از روند اجرایی این پروژه بازدید کرده و در جریان عملیات اجرایی آن قرار گرفتند.

براساس اعلام کارشناسان سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور، ۳۱ درصد از این آزادراه در مسیر رفت و برگشت به طول حدود ۱۳۰ کیلومتر در وضعیت خرابی شدید، ۲۹ درصد به طول ۱۲۱ کیلومتر در وضعیت خرابی متوسط و ۲۷ درصد به طول حدود ۸۰ کیلومتر در وضعیت خرابی سبک قرار دارد و ۱۳ درصد از این آزادراه نیز بهسازی شده است.

اختصاص هشت هزار میلیارد ریال برای بهسازی و آسفالت آزادراه تبریز – زنجان

نایب رییس مجلس شورای اسلامی در حاشیه بازدید از این آزادراه و در جلسه هماهنگی برای بهیازی و روکش آسفالت آن گفت: بر اساس صورتجلسه تنظیم شده بین مجلس و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای برای اجرای عملیات بهسازی و روکش آسفالت این آزادراه به طول حدود ۲۹۰ کیلومتر، هشت هزار میلیارد ریال

طرح نو

رتبه ۲ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نماینده تبریز:

اعتبار عون بن علی در سازمان برنامه مانده است

طرح نو؛ گروه شهری

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه توسعه مجموعه عون‌بن‌علی یکی از مطالبات اصلی شهروندان تبریزی است، گفت: با وجود دستور رئیس‌جمهور برای اختصاص اعتبار به این مجموعه، این موضوع هنوز در سازمان برنامه و بودجه به نتیجه نرسیده و نمایندگان استان در جلسات پیش‌رو پیگیر تحقق این اعتبار خواهند بود.

رضا صدیقی، نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با نصر و در واکنش به مصاحبه مهدی مهری، مدیرعامل سازمان توسعه و عمران عون‌بن‌علی و پارک طبیعت شهرداری تبریز، درباره پیگیری نمایندگان مجلس برای تأمین اعتبار این مجموعه، اظهار کرد: به عنوان یک تبریزی که مجموعه عون‌بن‌علی در نزدیکی محله محل سکونتم قرار دارد، اگر وضعیت این منطقه را با سال ۱۳۸۱ مقایسه کنیم، شاهد تغییرات بسیار مهم و ارزشمندی هستیم که با تلاش مسئولان در سال‌های گذشته رقم خورده و جای افتخار دارد.

وی افزود: هدف‌گذاری‌هایی که طی سالیان گذشته برای توسعه این مجموعه انجام شده، امروز به لطف خدا به ثمر نشسته است. در گذشته اگر می‌خواستیم جاذبه‌های تبریز را به مسافران معرفی کنیم، تنها از اتل‌گلی نام می‌بردیم، اما امروز با افتخار در کنار اتل‌گلی از عون‌بن‌علی نیز به عنوان یکی از شاخص‌ترین

ظرفیت‌های گردشگری شهر یاد می‌کنیم.

صدیقی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در این مجموعه گفت: عون‌بن‌علی امروز به مجموعه‌ای زیبا و کم‌نظیر تبدیل شده است. همچنین با تلاش مدیریت فعلی، «داغ‌گولی ۲» آبیگری شده و مسیر دسترسی آن نیز ایجاد شده است که پس از رفع نواقص، در اختیار شهروندان قرار خواهد گرفت.

وی رصدخانه پیش‌بینی‌شده برای این مجموعه را نیز اقدامی ارزشمند دانست و تصریح کرد: ایجاد رصدخانه در عون‌بن‌علی، با توجه به همجواری این منطقه با دانشگاه تاریخی ربع رشیدی که ستاره‌شناسی یکی از دروس اصلی آن بوده، اقدامی تلفیقی و فرهنگی است. از سوی دیگر، استان آذربایجان شرقی تنها یک رصدخانه در مراغه دارد و راه‌اندازی رصدخانه‌ای دیگر در تبریز می‌تواند به یک ابتکار مهم و جاذبه‌ای جدید برای علاقه‌مندان تبدیل شود.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو تأکید کرد: هدف ما و سایر نمایندگان استان این است که عون‌بن‌علی هر روز بیش از گذشته بدرخشد و به مقصدی شایسته برای گردشگران و مهمانان کشور تبدیل شود. البته تحقق این هدف نیازمند حمایت همه‌جانبه است، چرا که توسعه این مجموعه یکی از مطالبات جدی شهروندان تبریزی محسوب می‌شود.

وی در ادامه با اشاره به پیگیری‌های انجام‌شده برای تأمین اعتبار این مجموعه گفت: پیش‌تر نمایندگان مجلس طی

پیامبر اکرم(ص)

درباره آیه «و چنین بود به قهر گرفتن پروردگارت وقتی اِلهائی آن دهکده‌ها را که ستمگر بودند اِبه قهر امی گرفت: آری!گرفتن وی دردناک و سخت است» سفرمود: خداوند، ستمگر را چندان مهلت می‌دهد که وقتی او را گرفت، دیگر خلاصش نکند.

یکشنبه ۲۸ تیر ماه ۱۴۰۵ – سال بیستم – شماره ۳۵۸۸



نامه‌ای از رئیس‌جمهور درخواست اختصاص اعتبار برای عون‌بن‌علی را مطرح کردند که دکتر پزشکیان نیز دستور لازم را صادر کردند. این موضوع نشان‌دهنده اهمیت توسعه این مجموعه برای مسئولان و نمایندگان و پاسخ به مطالبه مردم است.

صدیقی با بیان اینکه این دستور هنوز به مرحله اجرا نرسیده است، افزود: متأسفانه این دستور در سازمان برنامه و بودجه متوقف مانده و به دلیل شرایط اقتصادی کشور و تغییر اولویت‌ها، هنوز اعتبار مورد نظر تخصیص نیافته است.

وی با تأکید بر اهمیت نشاط اجتماعی شهروندان اظهار داشت: توسعه فضاهای تفریحی و گردشگری نیز برای ما یک اولویت است و باید تلاش کنیم عون‌بن‌علی هر روز آبادتر و مجهزتر شود.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در پایان خاطرنشان کرد: هفته گذشته با سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، برای برگزاری جلسه‌ای درباره مدول دوم تصفیه‌خانه تبریز، وضعیت ماشین‌سازی و همچنین پیگیری اعتبار اختصاص‌یافته به عون‌بن‌علی هماهنگی‌های لازم انجام شد. با همراهی نمایندگان تبریز، آذرشهر و اسکو این موضوع را تا حصول نتیجه دنبال خواهیم کرد و امیدواریم به‌زودی خبرهای خوبی در این زمینه به مردم اعلام شود. همچنین در دیدارهای آتی با وزاری مربوطه نیز این مطالبه را پیگیری خواهیم کرد.

داده و آسفالت شود و تلاش می‌کنیم از تمام ظرفیت پیمانکاران فعال برای اجرای این پروژه استفاده شود.

وی با تأکید بر اینکه عملیات اجرایی این پروژه تا آخرین روز فصل کاری انجام خواهد شد، اظهار کرد: تاکنون منابع مالی این پروژه به میزان ۶ هزار میلیارد ریال به آن تزریق شده است و مشکل مالی وجود ندارد

و قیر پروژه نیز تأمین شده است.

اکبری با اشاره به عملیات اجرای پل هشتروز نیز ادامه داد: کنارگذر این پل طی ۱۲ روز احداث شد و تلاش می‌شود ۲ دهته تخریب شده این پل تا هفته دولت به صورت یکپارچه بتن ریزی و تکمیل شود و اعتبار اجرای آن نیز تأمین شده است.

بهسازی و روکش آسفالت آزادراه تبریز – زنجان از اولویت های اول آذربایجان شرقی است

استاندار آذربایجان شرقی نیز در این نشست با بیان اینکه بهسازی و روکش آسفالت آزادراه تبریز – زنجان به عنوان مطالبه به حق مردم جزو اولویت های اول این استان است، گفت: تلاش می‌شود این پروژه بر اساس زمانبندی اعلام شده، تمام شود.

بهرام سرمست، با تأکید بر اینکه پروژه آسفالت آزادراه تبریز – زنجان را به چشم یکپارچه و فراقستانی می‌بینم، افزود: این آزادراه شاهراه ارتباطی شمالغرب کشور محسوب می‌شود و کریدور تبریز– مرند – بازرگان را به کریدور شرق کشور متصل می‌کند.

وی یادآور شد: بر اساس صورتجلسه تنظیم شده بین نمایندگان این استان با سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، مقرر شد تا پایان مهرماه ۲۰۰ کیلومتر از این آزادراه آسفالت اساسی و ۹۰ کیلومتر لکه گیری شود.

سرمست، با تأکید بر اینکه به صورت مستمر پیگیری این پروژه از دستگاه‌هایی اجرایی خواهیم شد، ادامه داد: مقرر شد، آسفالت اساسی بقیه مسیر نیز در نیمه اول سال آینده انجام شود.

هزار میلیارد ریالی نیز انتخاب شده و کارهای قرارداد آن‌ها در حال انجام است.

اکبری، با بیان اینکه وضعیت اعتباری و تجهیزاتی پیمانکاران سمت زنجان بهتر از آذربایجان شرقی است، ادامه داد: تا پایان این ماه پیمانکاران چهار قرارداد بسته

شده نیز روی محور مستقر می‌شود. وی یادآور شد: با شروع فعالیت پیمانکاران جدید تعداد ۶ پیمانکار در سمت زنجان این پروژه را اجرا می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود تا پایان شهریور ۸۰ کیلومتر از این آزادراه از سمت زنجان آسفالت شود.

س سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور گفت: در سمت آذربایجان شرقی نیز در مجموع ۱۲ هزار میلیارد ریال قرارداد اجرایی این پروژه توسط سه پیمانکار با چهار اکیپ اجرا می‌شود.

اکبری، پیشرفت فیزیکی این قراردادها را ۵۰ درصد اعلام کرد و ادامه داد: تاکنون در این مسیر ۴۰ هزار تن آسفالت ریزی انجام شده است.

وی یادآور شد: با هماهنگی انجام شده، چهار قرارداد دیگر نیز با اعتبار سه هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال در حال طی مراحل انتخاب پیمانکار است و مناقصه جدیدی نیز برای انتخاب پیمانکار روی سایت این سازمان قرار دارد که تا ۲۰ روز آینده پیمانکار آن انتخاب خواهد شد.

۲۰ هزار میلیارد ریال برای اجرای پروژه بهسازی و آسفالت آزادراه تبریز – زنجان از سمت آذربایجان شرقی هزینه می‌شود

رییس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور با بیان اینکه با اضافه شدن چهار پیمانکار جدید، مجموع قرارداد این پروژه در سمت آذربایجان شرقی به ۲۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد، گفت: با لحاظ قراردادهای جدید در مسیر زنجان نیز، مجموع قراردادهای این پروژه به ۳۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد.

اکبری، افزود: اغلب مقاطع آزادراه تبریز – زنجان دارای خرابی شدید بوده و باید در سه لاین(خط) تراش



تا پایان شهریور یا مهر ماه آسفالت می‌شود، گفت: از این میزان ۸۰ کیلومتر از سمت زنجان و ۱۲۰ کیلومتر از سمت آذربایجان شرقی آسفالت می‌شود.

رضا اکبری، افزود: ۹۰ کیلومتر از مسیر این آزادراه نیز که در وضعیت خرابی سبک و متوسط قرار دارد، لکه گیری می‌شود و در سال آینده آسفالت این مسیرها نیز در برنامه این سازمان قرار می‌گیرد.

وی اظهار کرد: در زمان کنونی در استان زنجان ۲ اکیپ پیمانکار با مبلغ قرارداد ۶ هزار میلیارد ریال مشغول آسفالت ریزی و لکه گیری آزادراه تبریز – زنجان هستند و تاکنون حدود ۲۰ کیلومتر از این پروژه را اجرا کرده‌اند و عملیات همچنان ادامه دارد.

رییس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور با اشاره به برگزاری مناقصه ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریالی برای انتخاب پیمانکار دیگر برای این پروژه گفت: علاوه بر آن‌ها، پیمانکاران چهار قرارداد حدود یک

اختصاص می‌یابد.

علی نیکزاد، با بیان اینکه اجرای این پروژه به حدود هشت میلیون و ۱۲۳ هزار مترمربع آسفالت نیاز دارد، افزود: بر اساس این صورتجلسه باید ۲۰۰ کیلومتر از این آزادراه تا پایان مهر ماه آسفالت اساسی و ۹۰ کیلومتر دیگر که نیاز به لکه گیری دارد، اصلاح شود.

وی اظهار کرد: مسافتی از این آزادراه که دارای خرابی شدید و هر قسمتی که نیاز به آسفالت اساسی دارد، باید تراش و آسفالت داده شود، قسمت‌هایی که نیاز به لکه گیری دارد، ترمیم و بقیه مسیر باقی‌مانده نیز در سال آینده آسفالت اساسی شود.

۲۰۰ کیلومتر از آزادراه تبریز – زنجان تا پایان شهریور با مهر ماه آسفالت می‌شود

رییس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور نیز با بیان اینکه ۲۰۰ کیلومتر از آزادراه تبریز – زنجان